پدر، مادر، معلم مرا خوب تربيت كن

نويسنده : سيد حسين موسوى راد لاهيجى

## پيشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

انه خير ناصر و معين

اميرالمؤ منين على عليه‌السلام: خير ما ورث الاباء الابناء الادب (٢)

هر كس كه نفس خويش را پاك و تزكيه كرده و رستگار شده و آنكس كه نفس ‍ خويش را با معصيت و گناه آلوده ساخته نوميد و محرم گشته است .

هيچ ميراثى در اسلام گرانمايه تر از ادب و تربيت صحيح نيست ، انسان تمايلات نفس اماره اش به سوى بديها و پليديهاست و على الدوام او را به فساد و زشتيها دعوت مى نمايد، لذا تكليف انسانى و دينى او اقتضا دارد كه خود را به حسن عمل و رفتار و كردار شايسته موظف سازد و خود را تربيت كند.

قوا انفسكم (٤)

از خود سازى به ساختار اهل و عيال و اولاد بپردازيد تا از آتش جهنم مصون بمانيد.

براى تربيت اولاد، هميارى و همكارى برتر و برجسته تر از يارى مهربان ، و همسرى دلسوخته و آشنا و محرمى رازدار نيست كه ما را در تربيت و فرزندان يارى بخشد و وظائف و تكاليف تربيتى كودكان را با ما تشريك مساعى نمايد لذا همسرى مهربان براى خويش ، و مادرى دلسوز و عاشق براى فرزندان انتخاب و اختيار كنيم تا ما را در اين مسئوليت خطير يار و مددكار باشد از خود فرزندانى با صلاحيت و تربيتى شايسته و با اخلاقى ممتاز و با هوش و ذكاوتى كافى و كامل به جامعه تحويل دهيم .

از خداوند حكيم استمداد و استدعا كنيم و از زبان گوياى على ابن الحسين عليه‌السلام عرض كنيم خدايا بر ما منت بگذار، و فرزندانى صالح به ما مرحمت فرما و بر اصلاح و تربیتشان ما را كمك ده و بر بقاء و دوامشان و تمتع و بهره ورى از عمر و وجودشان ما را مسرور و خوشحال گردان و بر ما به سلامت جسم و دينشان منت گذار و آنان را در دنيا قرة عين و از باقيات الصالحات ما قرار ده ، و يار و ياور دين و دنيا و آخرتمان گردان .

## انتخاب همسر

### تربيت را از كجا شروع كنيم ؟

از انتخاب همسر:

دانشمندان علوم تربيتى و صاحبنظران پرورش و آموزش در آغاز تربيت فرزندان اختلاف نظر دارند، گروهى معتقدند تربيت را از دوران دبستان و آموزشهاى اوليه كودك بايد شروع كرد وقتى كه كودك كار نوشتن و خواندن را مى آموزد تربيت را با آموزش شروع مى نمايد و به كمك آموزش ، پرورش ‍ روحى و تربيت را نيز آغاز مى نمايد و اين برنامه تربيتى را براى پسر و دختر بالسويه غالبا از سنين شش سالگى شروع مى نمايند.

ناگفته نماند كه دنياى متمدن امروز و كارشناسان فرهنگى و آموزش و پرورش سن شش سالگى را براى آموزش و تعليم در نظر گرفته اند نه تربيت و پرورش روانى و دينى و اخلاقى !!! لذا در كنار كلمات ساده آموزشى ، كلمات تربيتى و پرورش كمتر گنجانده شده است و اين نشان مى دهد كه كارشناسان و روانشناسان در كار تعليم و آموزش ، سن شش سالگى را مناسب براى پرورش روحى و تربيتى نمى بينند، لذا كمتر دستور العمل آموزشى براى كارهاى روحى و تربيتهاى دينى و معنوى در دبستان و كلاس ‍ اول به چشم ميخورد.

اما در اسلام ، پيامبران الهى و پيشوايان معصوم مخصوصا آموزش و پرورش ‍ روحى و دينى و عبادى را از سنين پنج تا شش سالگى توصيه نموده اند.

و پاره اى از دانشمندان سنين تربيت اطفال را از دوره راهنمائى يا بالاتر ذكر كرده اند.

و گروهى از صاحبنظران معتقدند كه تربيت روحى از بدو تولد شروع مى گردد.

ولى ما به لطف الهى با تحقيقات وسيع ابتكار عمل را به دست گرفته و مسئله تربيت اطفال را از انتخاب همسر آغاز نموده ايم ، درست است كه هنوز فرزندى وجود ندارد كه تا تربيتش آغاز گردد، ولى اگر ما يك همسر فهميده و عالمه و مؤ منه و مهربانى كه شرائط تربيت صحيح فرزندان آينده ما را در دست بگيرد، اختيار نمائيم به خوبى مى توانيم صاحب يك يا چند فرزند صالح و شايسته باشيم ، چرا كه بيشترين بار تربيتى و اخلاقى روى دوش مادرها نهاد شده است و اين مادر با كفايت است كه مهمترين دوران تربيتى كودكان را به عهده دارد.

بنابراين به تبعيت از قانون وراثت ، همسرى انتخاب نمائيم كه تمامى اوصاف و سجاياى اخلاقى و تربيتى شايسته براى فرزندان آينده مان در آن خانواده يافت شود و بعد از تفحص كامل و تحقيق گسترده از آن خانواده همسر انتخاب نموده تا از چنين همسر فرزندان شايسته و خوبى را انتظار ببريم .

براى دست يافتن به يك همسر با كفايت و خوب و شايسته ، به ناچار بايد علم و اطلاعى از قانون وراثت داشته باشيم و يا به وسيله يك دانشمند كه به علم انساب آگاهى داشته باشد بتوانيم يك همسر شايسته اختيار كنيم ، حضرت اميرالمؤ منين على عليه‌السلام توسط برادرش عقيل كه عالم به انساب عرب بود و به علم انساب آگاهى داشت ، همسر شايسته اى انتخاب كرد و از آن همسر خوب ابوالفضل العباس عليه‌السلام را به دست آورد.

اينك بپردازيم به قانون وراثت ، از اين فصل خواسته هاى خود را تاءمين نموده و از راه وراثت گمشده خود را بيابيم .

امير مؤ منان على عليه‌السلام در اين مورد مى فرمايد:

خير ما ورث الاباء الابناء الادب .(٦) مردان و زنان بى همسر را همسر دهيد و همچنين غلامان و كنيزان صالح و درستكارتان را، اگر فقير و تنگدست باشند، خداوند آنانرا از فضل خود بى نياز مى سازد. خداوند وسعت دهنده آگاه است .

اينجا دو نكته قابل توجه و جود دارد، اول اينكه ، دختران و پسران ذيصلاح كه از نظر جسمى و عقلى و اخلاقى شايسته ازدواج باشند، بايد ازدواج نمايند دوم اينكه ، فقر و نادارى ملاك عمل قرار نگيرد، چونكه خداوند از فضل خود زندگى مستضعفان مؤ من را تاءمين و تضمين فرموده است .

در اسلام شرايط و اوصافى را براى زن زندگى و مادر شايسته ذكر كرده اند كه از جمله اين است كه عاقله ، فهميده و مؤ دب و به آداب حميده و پسنديده و از بيتهاى نجيب و اصيلى بوده باشند تا بتوانند فرزندان شايسته اى براى جامعه تربيت نمايند.

امام موسى بن جعفر عليه‌السلام مى فرمايد:

همانا در امر زنان مذاكره داشتيم ، امام حرائر و زنان آزاد با آنان مذاكره نكنيد.چرا كه ايشان آزاده اند و اين خود امتياز بزرگى است در مقابل جاريه و كنيز كه آنان داراى شرافت بيشترى هستند.

و لكن خير الجوارى ما كان لك فيها هوى و كان لها عقل و ادب فلست تحتاج الى ان تاءمر و لا تنتهى و....

امام عليه‌السلام مى فرمايد: اما بهترين جاريه و كنيزى كه مورد علاقه توست ، اگر داراى عقل و ادب بود، پس او را انتخاب كن ، چرا كه محتاج نيستى به او امر و نهى كنى (چون او داراى عقل و درايت است و تربيتى كه دارد، رضايت تو را جلب مى كند.

والده بعضى از امامان معصوم عليها‌السلام كنيز بوده اند. و از تعهدات ديانت و تقوى هم فوق العاده برخوردار بوده اند و امام موسى كاظم عليه‌السلام در رابطه با كنيزى كه از تربيت كافى برخوردار نيست فرمود:

و دون ذلك ما كان لك فيها هوى و ليس لها و ادب فانت تحتاج الى الامر و النهى .

هرگاه كنيزى پست تر كه داراى ادب و تربيت نبود، در اين صورت تو محتاج به امر و نهى و تربيت او هستى .

يعنى اگر او داراى عقل و درايت و ادب تربيت نباشد، پس تو بايد او را تربيت كنى و او را بسازى و آنچنان كه مى پسندى او را آموزش دهى و پرورش كنى .

### در انتخاب همسر كفو و هم شاءن را اهميت دهيد

قرآن كريم مبين اين حقيقت است و مى فرمايد: مردان مؤ من با زنان مؤ منه و زنان مؤ منه با مردان مؤ من بايد ازدواج نمايند. در قانون وراثت هم اين مساءله مورد اهميت قرار گرفته ، چرا كه ژن هاى اول يك زن مؤ منه با اسپرماتوزوئيد يك مرد منافق با هم بياميزند، نيمى ايمان و نيمى نفاق است ، البته گاهى اوصاف نفاق يا ايمان والدين ، يكى بر ديگرى غالب مى آيد و ممكن است كيفيت و ماهيت كودك تماما به يك طرف متحول گردد. قرآن كريم در مورد همكفو و همشاءن در ازدواج تاءكيد نموده و مى فرمايد:

الخبيثات للخبيثين و الخبيثون للخبيثات و الطيبات للطيبين و الطيبون للطيبات اولئك مبرؤ ن مما يقولون و لهم مغفرة ورزق كريم .(٨)

به شرابخوار اگر از دختر شما خواستگارى كند وصلت نكنيد و به او زن ندهيد. در روايت ديگر حضرت امام مى فرمايد:

من زوج كريمته من شارب خمر فقد قطع رحمها.(١٠)

در گناه بزرگ و ذنب لايغفر زنى ، كه از شوهر مست خود اطاعت كند امام صادق عليه‌السلام مى فرمايد:

ايما امراءة اطاعت زوجها و هو شارب الخمر كان لها من الخطايا بعدد نجوم السماء و كل مولود تلد منها فهو نجس و لايقبل الله منها صرفا و لا عدلا حتى يموت زوجها او خلع عنه نفسها.(١٢)

در متلاشى شدن نسل آدم شرابخوار و بيمار و ناتوانيهاى جسمى و ناهماهنگيهاى جمجمه و حتى مرگ و مير كودك و يا انواع بيماريهاى موجود در كودكان شما لازم است از شرابخوارى و نوشيدن الكل اجتناب نمائيد. پس شما پدرم ، مادرم از يك لحظه هوسرانى و لذتخواهى به وسيله مشروبات الكلى سرنوشت من فرزند را تباه نكنيد و بدينوسيله به بيمارى لاعلاج و آسيب هاى جبران ناپذير گرفتارم نسازيد.

بنابراين ، ازدواج در اسلام ، يك پيمان ملكوتى است كه بايد بر طبق قوانين و اساس حق و حقيقت استوار گردد و پيوند نكاح و زناشوئى در اصل بايد بر معيارهاى صحيح اسلامى برقرار شود.

### ازدواج با اموال ايتام و مساكين ؟!!

اميرالمؤ منين عليه‌السلام به يكى از عمال خود در رابطه به ازدواج از پول حرام چنين نوشت :

ايها المعدود كان عندنا من ذوى الالباب كيف تسيغ شرابا و انت تعلم انك تاكل حراما و تبتاع الاماء و تنكح النساء من مال اليتامى و المساكين .(١٤)

روزگار اسرار نهان را آشكار مى سازد

يا در جاى ديگر آمده است :

الايام تهتك لك الامر عن الاسرار الكامنة (١٦) در اين زمانها ممكن است مردم آقاى راسل و ارسطو، فيلسوف مشهور را مسخره كنند، چنانكه در دارا بودن چنين عقايد، علما و صاحبنظران مذاهب را به مسخره مى گيرند ولى بايد به عقيده ارسطو و همينطور اديان الهى ارج نهاد، چون يك فيلسوف نامى مثل ارسطو تحت تاءثير خرفات قرار نمى گيرد و بدون دقت نظر و تحقيق و تجربه ، سخن به زبان نياورده و يا رقم نمى زند.

### پدر، مادر، معلم مرا خوب تربيت كن

در اسلام مساءله ايام الله و ليالى متبركه و قداست يا نحوست بعضى از امكنه و ازمنه و مسئله قمر در عقرب ، و يا اوقات گرفتن ماه و خورشيد، يا بروز و ظهور رنگين كمان ، و اثرات جوى آن ، در كنار خيلى از آثار نحوست و سعادت و امثال آن تاءثير فراوان در زمان و مكان دارد. ناگفته نماند همان گونه كه ايام و ليالى متبركه امتيازهاى فراوانى دارد، همچنين اوقات و ايام و ليالى وجود دارد كه منحوس و مرموز بوده و اثرات بدى در دوره هفته ، ماه و سال دارد كه بعضى كارها از جمله ، آميزش امور جنسى در آن ناشايسته بوده و تاءثير بدى در روح و روان جسم و جان باقى مى گذارد. بنابراين ، ايام و ليالى و ساعات و لحظات در مقايسه با خوردنيها و نوشيدنيها در جسم و روح انسان اثر مطلوب و يا نامطلوب خود را خواهد گذاشت و لذا بهتر است زوجين براى اوقات آميزش خود حسابى دقيق باز كنند و مخصوصا براى توليد نسل سالم و صحيح دقت عمل بيشترى ايفا نمايند.

### نقش وراثت در تربيت

الحال پدرم : همسرى كه فردا مادر ما فرزندان آينده شما است بايد داراى عفاف و حجاب و سجاياى اخلاقى و اوصاف شايسته برجسته انتخاب نمائى چرا كه ما فرزندان وارثان اوصاف شما پدر و مادر هستيم و از زيبائيها و خلقيات و اوصاف شما ارث مى بريم ،

مادرم : ما فرزندان از پدر مجد و عظمت و بزرگوارى و سخاوت و كرامت و شجاعت او را به ارث مى بريم ، بنابراين همسرى كه داراى سجاياى اخلاقى و كرامت انسانى باشد انتخاب كن كه تا فردا پدرى بزرگوار و شايسته براى ما باشد. در فرهنگ لغات مى خوانيم .

ورث اباه ماله و مجده .(١٨)

بنگريد كه فرزند خود را در چه محلى جاى مى دهيد فرزند تان را در چه آغوشى مى پرورانيد زيرا اخلاق و ويژگيهاى (مادران) به فرزندان متصل مى گردد.

حيات شناسان مى نويسند: عامل وراثت در كجا مقام دارد؟ و يا در كدام قسمت از سلول نهفته است ؟ و مسئوليت پذيرى و ارث برى آنرا به كدام يك از اعضاء نسبت دهيم ؟ و چه قسمتى از پرتو پلاسما، و كدام يك از قطعات هسته موجب مى گردد كه مثلا پسرى شكل بينى مادر و چشمان پدر را بارث برد، و فلان كيفيت را از اجداد خويش اخذ كند؟!(٢٠)

حضرت امام با قبضه شمشير به دوش فرزندش محمد كوبيد و فرمود: اين ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده اى . پس اثبات شد كه بيشترين ارث برى فرزند از مادر است ، نه از پدر - بنابراين پدرم براى من مادر خوب انتخاب كن .

از نظر وراثت محمد حنفيه وارث ضعف و ترس مادر است ، چرا كه در مولاى متقيان هيچ ترس و وحشتى راه ندارد مگر از خدا مى ترسد، ترس ‍ محمد حنفيه از راه وراثت از مادر به او رسيده است .

پس اى برادر، در امر ازدواج و انتخاب همسر اگر به سرنوشت فرزندانتان علاقمنديد، همه اوصافى را كه دوست مى داريد در فرزندانتان تبلور پيدا كند آن اوصاف حميده را در همسر آينده تان سراق بگيريد، زيرا حضرت على عليه‌السلام فرمود:

حسن الاخلاق برهان كرم الاعراق (٢٢) مادر حاتم از زنان بسيار معروف در سخاوت وجود و كرم بود.

بنابراين مادر حاتم ، او را به ده جوان شجاع و دلير مبادله نكرد ولى پدر در مقابل بذل و بخشش و سخاوت بلند حاتم تحمل نكرد و او را از منزل بيرون كرد. پدرم ، مادرم : از دودمان و خانواده هاى معروف و شايسته براى من پدر، و مادر انتخاب نمائيد.

### وراثت از ديدگاه قرآن

وراثت و ارث برى را كتابهاى آسمانى بالاتفاق تائيد كرده و از آن سخن بسيار به ميان آمده است قرآن از زبان حضرت نوح پيامبر اولوالعزم ، فرمود:

رب لا تذر على الارض من الكافرين ديارا انك ان تذرهم يضلوا عبادك و لا يلدوا الا فاجرا كفارا.(٢٤).

و سلام و درود خدا بر من روزي كه زاده شدم و روزى كه ميميرم و روزي كه برانگيخته گردم و زنده شوم و چون يحيى عليه‌السلام به اين مقام نرسيده بود ساكت شد تا خدا بر او سلام فرستاد و فرمود:

والسلام عليه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حيا(٢٦).

زكريا آن همه فضيلت و كرامت از مريم ديد دست به دعا برداشته گفت : پروردگارا مرااز ناحيه خود فرزندى و نسلى پاك ببخش .

علامه طباطبائى در تفسيرش مى فرمايد: ذرية طيبه آن فرزند صالحى است كه مثلا صفات و افعالش با آرزوئى كه پدر از فرزند داشت مطابق باشد.(٢٨)

با اين عيوبات كه در ميان زن و مرد جامعه وجود دارد، تو اى انسان متعهد و مسئول ، همسرى از اين جامعه برگزين كه صد در صد اين معايب و بديها در او نباشد تا فرزندانى سالم و بى نقص ، بلكه داراى امتيازات برجسته اى شما را نصيب گردد.

### ژنها عامل انتقال وراثت

ژنهاى عامل وراثت به طور نصف در هسته سلول زن و مرد موجود است و گاهى به طور اتفاق ممكن است سلول مرد بر زن يا بالعكس هسته سلول زن بر مرد غلبه پيدا كند، در نتيجه فرزند از نظر اخلاق و يا اوصاف يكى از پدر يا مادر را به ارث برد.

كه در اين باره پيامبر بزرگ اسلام فرمود:

ولم ياءتك الا من عرق منك او عرق منها.

اين فرزند غير مشابه يا از عرق و ويژگيهاى تو كه پدر او هستى پديد آمده است يا از عرق همسرت كه مادر كودك است . يعنى از اوصاف و اخلاق ويژگيهاى آباء و امهات يكى از پدر يا مادر را به وراثت كسب نموده است .

### چرا بعضى كودكان به پدر و مادر شباهت ندارند؟!

امر مهم ازدواج اگر از يك زوج سالم داراى اوصاف حميده و اخلاق شايسته صورت پذيرد و كارهاى زندگى مشترك آنان صحيح بر مبناى اسلامى انجام گيرد و مسئله مضاجعت و لقاح به طور طبيعى ، بدون دلهره و اضطراب واقع شود، فرزند صحيح و سالم و از شباهت كامل به والدين نيز برخوردار خواهد شد.

حضرت مجتبى عليه‌السلام فرمود:

ان الرجل اذا اتى اهله بقلب ساكن و عروق هادئة و بدن غير مضطرب استكنت تلك النطفة فى الرحم فخرج الرجل يشبه اباه و امه .(٣٠)

قانون وراثت از قوانين مسلم و تغيير ناپذيرى است كه خداوند حكيم براى حفظ نظام بشريت وضع و مقرر فرموده و آن را جزء لاينفك انسان قرار داده است ولو صفات انسان تا ٩٩ پشت از آباء به ابناء منتقل گردد. و اينكه قضاوت صريح حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در مورد فرزند رنگين پوست كه از يك پدر و مادر انصارى سفيد پوست تولد يافته بود، و نظريه آلكسيس كارل و دهها دلائل و شواهد ديگر معلوم مى شود كه فرزندان و نوادگان ، بيشترين صفات و اخلاق نفسانى و جسمانى آباء و اجداد خود را به ارث مى برند و انتقال اين اوصاف و خصوصيات يك قانون مدون و منظم است و آن ، قانون تكوينى وراثت است و اختيارى نيز نمى باشد، چه انسان بخواهد و چه نخواهد، اخلاق و اوصاف آبا و اجداد خود را به ارث خواهد برد.

دكتر الكسيس كارل درباره قانون وراثت مى گويد:

بين كودكان يك خانواده كه همگى در دامان يك مادر و يه يك نحو پرورش ‍ يافته اند، اختلافات فاحشى در شكل و قد و ساختمان و حالت عصبى و ميزان فعاليت فكرى و صفات اخلاقى و معنوى وجود دارد، بديهى است كه اين اختلافات وراثتى است .(٣٢)

حضرت فرمود: تو ٩٩ عرق و ويژگى دارى و همسرت نيز ٩٩ عرق و ويژگى دارد، آنگاه كه آميزش انجام مى گيرد، هر يك از اين ويژگيها (عروق) از خدا مى خواهد كه نوزاد جديد مطلق با (شكل و هيئت) او به دنيا بيايد، پس ‍ برخيز كه او فرزند توست و آنچه همسرت براى تو زاييده است جز يكى از عروق تو يا همسرت نيست .

با تفاوت تمامى حالات در فرزندان و اختلاف رنگ و پوست و صورت و سيرت كه با والدين پديد مى آيد، تنها ژن است كه پاسخگوى وراثت است يعنى وراثت از راه ژن نقش مهمى را ايفا مى نمايد، اگر وراثت از اسپرماتوزوئيد و اوول تكون مى يافت ممكن بود خلق و خوى و ساير حالات فرزند به پدر و مادر شباهت پيدا مى كرد و اوصاف فرزند محدود مى شد نه اوصاف والدين ، اما قانون وراثت شباهت صد در صد و تام و تمام فرزند با والدين را رد كرده است ، ممكن است فرزند متعلق به يكى از ٩٩ عرق از آباء و امهات باشد و با عرق و خصوصيات والدين فاصله درازى پيدا كند يا در هر دو از والدين ارث برد و هم ممكن است از آباء و امهات و اجداد خويش اوصاف و خلق و خوى را به ارث ببرد، يعنى براى انسان ٩٩ عرق است و ممكن است به اوصاف يكى از ٩٩ عرق منتسب گردد.

بنابراين پدرم ، مادرم ، به تمام معنا، سجاياى اخلاقى و اوصاف نيك و بد و زشت و زيبايم به شما والدين و آباء و امهاتم پيوند خورده و برخواسته است با همه اين استدلالات من فرزند، وارث اخلاق خير و شر شما مى باشم و هر چه هستم و هر كه باشم از شما هستم ، پس براى من ، پدر و مادر خوبى باشيد و براى تربيت صحيح من به وظائف دينى ، اخلاقى ، فرهنگى ، بهداشتى عمل كنيد، تا من نيز از شما براى آيندگانم عنصر مفيد و مؤ ثر باشم .

## دوران باردارى

### مسئوليتهاى مادر، در دوران باردارى

وظائف مهم تربيتى مادر از بدو حمل و باردارى شروع مى گردد، مسئوليت مادر در دوران باردارى ، بارى سنگين و وظائف و تكاليفى بس مهم را به عهده گرفته است .

مادر بايد بداند كه پس از احساس باردارى و حمل ، بار سنگين و پر مسئوليت امانتدارى را به عهده گرفته و در حفظ و حراست و پاسدارى از موقعيتهاى روحى و معنوى و سلامت جسم و جان كودك بايد بكوشد و بداند كه سعادت و شقاوت فرزند عزيزش از بطن او شروع مى گردد.

مراقبتهاى لازم براى يك مادر مؤ منه و متعهده ايجاب مى كند كه او بداند فرزندش چه دختر و چه پسر نقش دوم او را ايفا مى نمايد و نجابت و پاكدامنى و حجاب و عفاف و طهارت و خباثت و شقاوت مادر در فرزندش ‍ نقش مهم و اساسى و بنيانى دارد.

بنابراين مادر بايد در حفظ و سلامت روح و جسم فرزندش از همان دوران حمل مراقب و مواظب باشد.

### مادر و سعادت و شقاوت كودك !!

پس از انعقاد نطفه دوران پر ماجراى حمل و باردارى شروع مى گردد، دوران باردارى مادر، مسئوليتهاى خطير مادرى او آغاز و مادر از همان ابتداى حمل ، بار سنگين تربيتى كودك را بعهده مى گيرد.

پيامبر بزرگ اسلام مبناى سعادت و شقاوت كودك را از همان آغاز باردارى تعيين كرده و مى فرمايد:

الشقى من شقى فى بطن امه و السعيد من سعد فى بطن امه (٣٤)

...زن بر اهل بيت شوهرش و (در غياب او) بر تمام فرزندانش فرمانروائى نموده و مسئوليت تربيتى آنان را به عهده دارد.

سعادت و خوشبختى فرزند سرمايه ايست كه مادر براى خود و همسر، خاصه فرزندش سعى و تلاش مى كند كه تاءمين نمايد، اگر يك پسر يا يك دختر به كمال نهائى خود راه يافت ، اين عزت و عظمت را از مادر كسب نموده و زحمات تربيتى و پرورشى مادر، او را به اين سعادت و خوشبختى رسانده است و از فيض كمال و جمال و سعادت و خوشبختى فرزند مستفيض و بهره مند مى شود و رشد و ترقى مادى و معنوى فرزند را مادر براى خود افتخار مى داند و به آن مى بالد.

بايد گفت شقاوت و بدبختى و زبونى فرزند نيز دودش اول به چشم مادر مى رود و ايذاء و اذيت فرزند معلول جسمى و روانى ، ابتداء متوجه مادر است . و مادر اگر از ايمان و نجابت و اصالت برخوردار باشد آثار زشت و كارهاى ناهنجار فرزند را بيشتر از ديگران احساس مى كند كه او موجبات فضاحت و رسوائى مادر را فراهم كرده و واكنش عمل پرورشى و تربيتى فرزند ابتدا به مادر بر مى گردد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مادر است آن كسى كه مى سوزد |  | همچو شمعى به پاى فرزندان |
| ورشود مادرى اسير هوس |  | غافل از ماجراى فرزندان |
| اوست مسئول هر چه پيش آيد |  | از گناه و خطاى فرزندان |
| مى كند مادر وظيفه شناس |  | هستى خود فداى فرزندان (٣٦) |

موقعيتهاى معنوى و علمى و روحانى اين دو بزرگوار ايجاب مى كرد كه تا در عالم رؤ يا شيخ مفيد سيد رضى و سيد مرتضى را به جاى حسنين عليهما‌السلام براى تعليم و تربيت تحويل بگيرد كه اين دو بزرگوار از نوابغ عالم به شمار آمدند. پدرم :!!! در انتظار انتخاب چنين مادر با فضيلت از جانب شما هستم ، كه به راستى با انتخاب چنين همسر شايسته به من فرزند نيز فضيلت و بزرگوارى مى بخشى و عزت دارين نصيب من مى گردانى .

### گزيده اى از اشعار پروين اعتصامى

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| هميشه دختر امروز |  | مادر فرداست |
| زمادر است ميسر بزرگى پسران |  | اگر فلاطن و سقراط بوده اند بزرگ |
| بزرگ بوده پرستار خردى ايشان |  | به گاهواره مادر به كودكى بس خفت |
| سپس به مكتب حكمت |  | حكيم شد لقمان |
| چه پهلوان وچه سالك چه زاهدو چه فقيه |  | شدند يكسره شاگرد اين دبيرستان |
| وظيفه زن و مرد اى حكيم دانى چيست ؟ |  | يكى است كشتى و آن ديگرى است كشتيبان |

بزرگترين و عاليترين نقش مادر در تربيت فرزند، اصالت بخشيدن به فرزند و حفاظت و حراست از آرمانهاى دينى و پاسدارى از نعمت عظماى ولايت و محبت اهلبيت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و تزكيه نفس است و چنين مادرى مى تواند سعادت و خوشبختى فرزندانش را تضمين نمايد، اما مادر بى تعهد و بى فضيلت ، براى تربيت كودكانش هيچگونه مايه نميگذارد و رنج تربيت او را متحمل نمى شود و معلوم است از دامن چنين مادران جز فرزندان بى فضيلت و ناپاك پرورش نمى يابد.!!

### حقيقت سعادت و شقاوت در چيست ؟

سعادت و خوشبختى بشر در چهار صفت نهفته است . در تعريف و تحليل از حقيقت سعادت و شقاوت امام صادق عليه‌السلام در روايتى از اميرالمؤ منين عليه‌السلام نقل نموده كه حضرت مى فرمايد:

ان حقيقة السعادة ان يختم للمرء عمله بالسعادة و ان حقيقية الشقاء ان يحتم للمرء عمله بالشقاء.(٣٨)

بنابراين تضمين كننده سعادت و شقاوت فرزند مادر است و مادر شدن و پذيرش مادرى مسئوليت خطيرى است كه هر مادر به عهده گرفته و قبول كرده است .

### پند پذيرى سعادت ، و غرور شقاوت است

امام على عليه‌السلام در مورد سعادت و شقاوت چنين مى فرمايد:

والسعيد من وعظ بغيره ، و الشقى من انخدع بهواه و غروره (٤٠)

كسيكه اندرز و نصيحت پذيرد از رسوائى و فضاحت مصون و محفوظ ماند.

بنابراين ، مادر با پند پذيرى سعادتمند مى شود و سعادت فرزند خويش را تضمين و تاءمين مى نمايد.

### نقش مادر در سوء تربيت فرزند

داستانى را ملك الشعراى بهار در اين زمينه به نظم در آورده كه براى همه ، خاصه مادران پندپذير، بسيار آموزنده و عبرت انگيز است ملك الشعراء در اين داستان ، پسرى را كه از سوء تربيت مادر، راه دزدى سرقت را آموخته بود و كارش به جايى رسيده كه سرانجام به اعدام و به دار آويختن محكوم شده بود چنين بيان مى كند:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| پسرش دست بازيده |  | هيبت مرگ بر دلش خنجر |
| خوانده قاضى زنامه عملش |  | دزدى اسب و شتر و استر |
| چوبه دار گفت كيفر اوست |  | بهر آسايش گروه بشر |
| در پاى دار جوان |  | مادرش بر سر و سينه زنان |

به ميدان تاخت و پسرش را دست بسته و آماده اعدام ديد

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| گريبان چاك زد و فرياد برآورد |  | واى ، جوانم !! |

جوان گفت : مادر زبانت را در دهانم بگذار تا بمكم و آرام گيرم .

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مادر پير چانه پيش آورد |  | به دهانش زبان نمود اندر |
| پور بدبخت نيشها بفشرد |  | بر زبان عجو ز خاك بر سر |
| زير دندان زبان مادر كند |  | ريخت خون از دهان هر دو نفر |
| مادر از هوش رفت و فرزندش گفت |  | با مردم اى مهين معشر جوان |

در خطاب به مردم گفت :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| به دشنام من لب مگشاييد |  | كه شرح حالم را با مادرم بگويم |

پدر من نوكر خانه اى بود با همه مهربانى خانواده اش را تاءمين مى كرد، دو ساله بودم كه پدرم مرد، مادرم با دو طفل صغير ماند، در دو سالگى اندك اندك تا دم دكان محله رفتم ، تخم مرغى از دكان دزديدم ، مادر چون ديد بر رخم خنده زد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| مادرم ديد و بر رخم خنديد |  | نه به من زد طپانچه و نه تشر |
| نه به من گفت اين عمل دزديست |  | شاخ دزدى فضاحت آرد بر |
| خنده مادر و خوشى او |  | پسرش را ز راه برد به در |
| تا به اينجا كشيد بيضه دزد |  | كه شتر دزد گشت و غارتگر |
| لاجرم من زبان مادر را |  | قطع كردم چون اره شاخه تر |
| زانكه هست اين زبان بى معنى |  | قاتل من به معنى ديگر |
| اگر او عيب كار دزدى را |  | به من آموخته بود گاه صغر |
| كى به اين كار مى نهادم پاى |  | كى به اين دار مى كشيدم سر؟! |

سوء تربيت مادر در دوران كودكى و اهميت ندادن به دزدى و سرقت هاى كوچك و بزرگ ، پسر را به آنجا كشاند كه شتر دزد شد و سرش به پاى دار رفت و آن بدنامى و غائله فراموش نشدنى را براى خود و خانواده اش به وجود آورد.

مادر موظف است اثر بدو واكنش كارهاى زشت و ناهنجار را به رخ كودكان بكشد و به آنها بفهماند كه در زندگى ناسالم و كارهاى خلاف و خطا بالاخره سر به رسوائى مى زند و فضاحت و وقاحت به بار مى آورد. در اسلام براى كودك در مقابل كارهاى زشتش تكليف شرعى مثل حد و تازيانه نيست ، ولى تاءديب و تنبيه مقرر شده است .

امام اميرالمؤ منين عليه‌السلام فرمود:

لا حد على الاطفال ولكن يؤ دبون ادبا بليغا(٤٢)

آدمى بايد به دقت به غذاى خويش بنگرد.

دقت نظر هم به حليت غذا و هم به سلامت آن و هم به تاءثير مثبت و منفى و جانبى آن و دهها عوامل ديگر بايد مورد دقت و تحقيق و بررسى قرار گيرد، در اين رابطه قرآن و پيشوايان معصوم عليه‌السلام بسيار اهميت داده اند و روايات و احاديث اهل بيت عليهم‌السلامدر مورد تغذيه فوق العاده زياد است و همه انسانها به ويژه مسلمانان مسئله غذا را بايد به دقت مورد مطالعه و بررسى و تحقيق قرار دهند و چه چيز خوردن ؟ و چگونه خوردن ؟ و چقدر خوردن ؟ و ميزان و معيار خوردنيها و استفاده هاى معقول و مطلوب از آنرا بايد همه و خاصه مادرانى كه جنين در رحم دارند خيلى دقيقتر و آگاهتر عمل نمايند. در اين مورد پاسخهاى علمى و طبى و پزشكى در: رابطه با غذا، دارو، شرائط محيط، ناقص الخلقه ها، عجيب الخلقه ها، نوزادان غير طبيعى ، كلا به دو دسته از علل خارجى و علل داخلى تقسيم مى گردند.

١- علل و عوامل خارجى : عوامل فشار و ضربه و مسائل جوى و محيطى ممكن است در خلقت جنين و به سلامت جسمى و روحانى او لطمه بزند.

٢- علل و عوامل داخلى : كمبود مواد غذايى و نرسيدن اكسيژن كافى به جنين و نرسيدن آب لازم و پروتئين كافى ، مواد چربى و قند و كمبود ويتامين ها و املاح معدنى ممكن است باعث نقص خلقت و بد شكل كردن و زشت رو شدن و نواقص ديگر به وجود آيد.

مثلا زن آبستن بايد تحت يك شرائط خاص به سر برد، يعنى بيشتر استراحت داشته باشد و از فعاليتهاى سخت و دشوار و جست وخيزهاى زياد بپرهيزد. از جمله : اگر خانمى در اوائل آبستنى سوار هواپيما و به ارتفاع بيش از ٢٠٠٠٠٠ تا ٢٥٠٠٠٠ پا صعود كند به علت كمبود اكسيژن در ارتفاعات بالا در خون داخلى رحم ممكن است جنين او دچار نقص خلقت شود و يا در سنين بالاتر ممكن است سقط جنين نمايد.(٤٤)

### مادران جنايتكار

تولد صدها كودك ناقص در هر سال براى يك كشور،آفت و مصيبت بزرگى است ، بدون ترديد گناه و جنايت و فساد و بى بند و باريهاى پدران و مادران شهوت پرست ، ميگسار، قمار باز و كسانى كه از خوردن هر نوع غذاى حرام و نجس و ناپاك و آلوده هيچ باكى ندارند و داراى اخلاق فاسد و در عين حال با هيجانها و دلهره ها و در حال مستى در توليد نسل و تكثير اولاد نقش ‍ ايفاء مى كنند، اينان فرزندانى و نسلهائى غير از اين ناقص الخلقه ها و معلول و مفلوج و منگل نخواهند داشت .

و اينك با بررسى بيشتر در اين باره ، معلوم مى گردد كه علت اين نواقص در جنين و كودك چيست و چگونه به وجود مى آيد) طبق تحقيقات به عمل آمده در روايات اسلامى و هم نظريات دانشمندان و صاحبنظران بعضى از عوامل نقص عضو و علل و بيماريهاى مادر زادى ممكن است همبسترى و مضاجعت در شبهايى كه صورت مى گيرد قمر در عقرب باشد در اينصورت ممكن است موجب سقط جنين يا نقصان خلقت گردد و يا اگر هنگام همبسترى ، مرد به عورت زن نگاه كند و اگر در آن لحضه نطفه منعقد گردد چه بسا ممكن است آن بچه كور متولد شود و يا زن باردار و آبستن مشروبات الكلى و مواد مخدر استعمال كند ممكن است عوارض زيادى متوجه جنين بشود و اين موارد ذكر شده و روايات اسلامى نظريات دانشمندان و محققانى است كه از تجربه و دانش طبى و از علميت آنان خارج و به دور نيست و ديگر اينكه از نظر علمى و دانش روز با ثبات رسيده كه اگر در لحظات ماه گرفتگى يا خورشيد گرفتگى مضاجعت و همبسترى رخ دهد و يا نطفه در حين ترس و وحشت زوجين منعقد شود ممكن است در كروموزمها نقش منفى داشته باشد و اثر بد بگذارد.

و يا مثلا در حين خسوف و ماه گرفتگى اگر دست مادر به هر قسمت بدن جنين برسد آن قسمت ممكن است تغييرى پيدا كند و با جاهاى ديگر بدن جنين فرق داشته باشد مثلا مادر آن قسمت از بدن جنين خود را از روى شكم خود تماس حاصل كند يا لمس نمايد يا نظر افكند و حالات ديگر، ممكن است آن قسمت از بدن كودك تيره و كبود شود.

انعقاد نطفه در حال مستى و بى عقلى و با بى شعورى ممكن است نقش ‍ منفى در كروموزم هاى جنين ايجاد كند.

بدينوسيله كودك ممكن است منگل و عليل و ناقص به دنيا آيد. اگر اسلام در احكام فقهى ، زنان باردار را كه دروان آخر حمل را ميگذرانند روزه را ممنوع اعلام نموده به علت اينست براى جنين مضر دانسته و روزه را براى زن باردار مجاز نمى داند شايد يك قسمت به خاطر همين نقص خلقت و علل بيمارى براى كودك باشد.

بنابراين بيشترين علل و عوامل بيمارى نقص عضو و عارضه هاى ناشى از: كورى مادرزادى ، شش انگشتى ، بيماريهاى روانى و جسمى ديگر را كودكان از والدين به گونه اى به دست مى آورند و به ارث مى برند و جا دارد كه چنين كودكان خطاب كنند به والدين و بگويند: پدر و مادر مرا خوب تربيت كن و مرا با اشتباه كاريهاى خود عليل و ناقص و ناتوان پرورش نكن .

### تغذيه زنان باردار

مادران آبستن از نظر تغذيه سالم و حلال و استفاده از انواع ميوه ها و سبزيهاى خوردنى و مفيد مى توانند بطن خود را محل پرورش فرزندان سعادتمند و سالم و خوشبخت قرار دهند.

غذاهاى فاسد و نوشابه هاى الكلى براى زنان آبستن فوق العاده مضر و خطرناك مى باشد، زيرا الكل صرفنظر از مسموميتى كه ايجاد مى كند ويتامينهاى غذاى مادر و جنين را مى سوزاند و ويتامين مورد نياز آنانرا از بين مى برد. در نتيجه فرزند ناقص الخلقه و معيوب به دنيا مى آيد.(٤٦) مطمئنا هر غذائى كه به جسم جنين يا كودك مضر بوده ممكن است بعضى غذاها به روح و روان او نيز زيان و ضرر برساند.

مادر: سلامت جسم و روح و روانم را با مشتهيات و تمايلات نفس اماره و خطاكاريهايت تهديد مكن و با مسامحه كاريها و تنبليها در تهيه غذاى سالم و مقوى و متنوع ، با خوردن غذاهاى حاضرى و كالباس و سوسيس و همبرگر و ديگر غذاهاى فاسد و مشتبه و غير حلال و غير بهداشتى در حالت حمل من فرزند، به سعادت و خوشبختى و استعدادهاى خلاق به پيشرفتها و موفقيتهاى معنوى و مادى من لطمه و صدمه نزن .

### نقش خرما در حلم و تقواى كودك

غذا و آب و ميوه ها و تمامى ماءكولات و مشروبات ، در ساختار وجود انسان نقش حياتى دارد و براى هر نوع از خوردنيها و آشاميدنيها اثر وضعى خاص ‍ مى باشد مثلا براى خرما و رطب يك اثر وضعى ويژه اى ذكر كرده اند پيامبر اسلام مى فرمايد:

اطعموا المرئة فى شهرها الذى تلد فيه التمر فان ولدها يكون حليما تقيا.(٤٨)

عده اى از كودكان در روزهاى اول عمر مبتلا به زخمهايى مى شوند كه ، آنها را اگزماى كودكان و يا رشكا مى گويند. اين زخمها به قدرى دير معالجه مى شود كه پدر و مادر طفل را معذب و خسته مى نمايد، اين زخمها نتيجه سوء تغذيه مادر هنگام آبستنى است ، چنانكه مادر هنگام آبستنى ادويه تند، مثل فلفل زياد بخورد، يا مثلا، در خوردن خردل يا دارچين افراط نمايد، نوزاد او مبتلا به (اگزما) مى گردد.(٥٠)

بنابراين لكنت زبان يك نقيصه بسيار بزرگى است كه كودك از مادر و سوء تغذيه او در زمان حمل به يادگار دارد.

### وظائف مادر در دوران باردارى

زن باردار و مادر آينده ، زنى است كه ، امانت بزرگى را حمل مى نمايد و بنا دارد كه امانت الهى يعنى فرزندش را حفظ و حراست نموده و با سلامت روحى ، جسمى و روانى به دنيا بياورد.

از وظايف پدر است كه محيط امن و سالمى را براى همسر و فرزندانش ‍ فراهم سازد و شرايط مناسب و خوبى جهت همسر باردار خويش به وجود آورد و با حفظ و حراست و پاسدارى از همه ابعاد اخلاقى ، تربيتى و بهداشت كودك آينده خويش بكوشد و از آوردن غذاهاى حرام و مشتبه و مشكوك و فاسد و آلوده پرهيز نمايد وظيفه شوهر است كه محيط خانه را از موسيقى و صدا و تصوير حرام و مشتبه پاك و از گناه دروغ و غيبت ، فحاشى و سخن چينى و هر حرام ديگر پاك سازى نمايد تا همسر باردار او امانت خويش را به سلامت حفظ نموده و فرود آورد.

### تغذيه حلال و پاكيزه

تغذيه حلال ، غذاى پاك و سالم و گوارائيست كه شخص مؤ من و متعهد براى تغذيه خود و اهل و عيال و اولاد خويش فراهم مى سازد و اين خود مسئوليت بزرگى است كه پدر، شوهر، و يا رئيس يك خانواده آنرا بعهده گرفته است .

از امام باقر عليه‌السلام مى پرسند از قول خداى تعالى كه فرمود:

فلينظر الانسان الى طعامه ...

پس بايد انسان به غذاى خويش بنگرد. يعنى چه ؟

حضرت باقر العلوم عليه‌السلام در جواب فرمود:

علمه الذى ياخذ عمن ياءخذه (٥٢)

خداوند هيچ خوردنى و آشاميدنى را حلال نكرده است مگر آنكه نفع و صلاح بشر در آن بوده و هيچيك را حرام نكرده است مگر آنكه مايه زيان و فساد باشد.

پدر، مادر، در صورتيكه به سعادت و خوشبختى من فرزندت مى انديشى از كل خوردنيها و آشاميدنيهاى حرام و مشتبه پرهيز كن و بدينوسيله به سلامت جسم و روح و روان خود و كودكانت رحم كن و به ما خدمت نما.

### چرا بعضى از كودكان قسى القلب اند؟!

هر حلال و حرام در دين و شريعت فلسفه اى دارد، و بر معيار خير و شر و يا بديها و خوبيها، پى ريزى و استوار گشته است ، و مسلم است كه مشروبات الكلى سكر آور و مست كننده است و زيان و ضررش را در جسم و روح و عقل مى گذارد و حتى در ژن وجود او اثر منفى خود را مى گذارد.

خوردن خون همين طور آثار سوء را در جسم و فكر و جان بشر و در نطفه و ژن انسان به وجود مى آورد حضرت رضا عليه‌السلام در فلسفه حرمت شرب خود و اختلالاتى كه در روح و روان آدمى بجاى مى گذارد چنين مى فرمايد:

...و يسى ء الخلق و يورث القسوة للقلب و قلة الراءفة و الرحمة و لايؤ من ان يقتل ولده و والده .(٥٤)

دائم الخمر مانند بت پرست است ، كسى كه به طور مداوم و پى گير، مى گسارى كند مبتلا به رعشه مى شود، سجاياى اخلاقى و مروتش نابود مى گردد شراب چنان آدمى را در گناه ، جسور مى نمايد كه ، از هر خونريزى و قتل و حتى زناى با محارم باك ندارد.

همه ناراحتى هاى ناشى از لرزش اندام ممكن است از شرابخوارى نباشد ولى بعضى از لرزش ها و حركت هاى دست و پا ممكن است در پيرى و ناتوانى از اعتياد به شرابخوارى و ميگسارى باشد و يا ممكن است در ژن و نطفه آدم شرابخوار و الكليست نقش لرزش اندام را براى كودك يه يادگار بگذارد.

انصاف دهيد، آيا تنها بيمارى رعشه و لرزش دست و پا يا تمامى بدن در دوران پيرى براى فلسفه حرمت مسكرات و مشروبات الكلى كافى نيست ؟!!!

آيا بيمارى روحى و انهدام و نابودى مروت و عواطف انسانى و جسارت و تجاوز به محارم و خونريزى و زنا و صدها كار زشت و فواحش ديگر براى علت حرمت شراب كافى نيست ؟!!!

آرى ، عوارض جسمانى و بيماريهايى كه خوردن مسكرات به وجود مى آورد، در لابراتوارها اندازه گيرى و مشخص شده و خواهد شد، اما خوردن و آشاميدن غذاهاى حرام و ايجاد بيماريهاى روحى و صفات ناشايستى كه به علت استفاده از محرمات براى انسان به وجود مى آورد، در دستگاههاى دقيق پزشكى و لابراتوارها قابل اندازه گيرى نمى باشد، پس اى مادر! اى پدر! از استفاده الكل و شراب به خاطر حفظ و حرمت دين تاءمين سلامتى خود و فرزندانتان جدا پرهيز نمائيد. با اين بيان كه علم و دانش در صدد درمان دردهاست و فقه شيعى و احكام الهى به شدت بشريت را از كل محرمات بازداشته و از كارهاى زشت و قبيح بدور نگه مى دارد. و اين خدمتى براى بشريت است .

انبياء در صدد پيشگيرى از بيماريها و ناملايمات جسمى و روحى و اخلاقى بشرند، علم جلوى جنايت را نمى گيرد، يعنى ، هرگاه قتلى و سرقتى و خيانت بر اموالى به وجود آيد، دانش بشر در حل و فصل كارهاى جزايى ، كيفرى و حقوقى اقدام مى كند، اما انبياء تلاش مى كنند مردم را از جنايات باز دارند و طرح و برنامه هاى دينى و اخلاقى و تربيتى بدهند كه آدمى بيمار نشود و خيانت نكند و از بديها سخت به دور باشد.

با اين تحليل نياز بشر به دين و به وجود انبياى الهى و پيشوايان معصوم به مراتب بيشتر مى گردد، علم و پيشرفتهاى علمى و ايدئولوژى صنعتى و تكنيكى فقط جنبه چاره كننده و درمان كننده دارد نه باز دارنده . علم بررسى مى كند كه ، مثلا نوعى شير خشك و غذاى مصنوعى براى كودك مفيد و خوب است ، غذاهاى غير طبيعى و ساختگى و محصولى از كارخانجات توليدى كه صاحب آن يهود باشند و يا مسيحى و يا اديان و مذاهب ديگر، و يا اصلا لامذهب و هر چيز ديگر... زيانهاى جسمى هم ندارد و بسيار هم به ظاهر مفيد است و بچه در ظاهر امر، بيمار هم نمى گردد و از حلاوت و زيبايى خوبى نيز برخوردار مى شود و رشد جسمى خوبى هم پيدا مى كند و مواد پروتئينى و ديگر مواد لازم را هم دارد اما از آن طرف ممكن است ، اين غذاها از شير خشك و يا از شير حيوانى چون ميمون ، خوك ، گراز و خرس ‍ و...گرفته شده باشد و آثار زشت و خلق و خوى حيوانى و آثار درندگى و.... در بچه باقى بگذارد، اين را چه كار كنيم چگونه علاج نمائيم علم به آن كارى ندارد.

اما زمانى كه جنايات ، قتل ، اختلاس ، احتكار، رشوه خوارى ، كم فروشى ، گران فروشى بيماريهاى جديد و لاعلاج چون سرطان ، ايدز و...كه موجب اختلال و نزاع و آشوب و تشنج در جامعه بشرى به وجود بياورد و ممكن است بازارهاى جهانى را فلج گرداند و اقتصاد را در دنيا به هم بزند، و افكار ارواح بشر را متلاطم گرداند كه همه اين جنايات معلول سوء تربيت اعمال بشر نادان و تغذيه ناسالم و غير حلال مى باشد و همان غذاها و تربيتهاى ناروائيست ، كه ساخته دست بشر است و براى آينده بشر و زندگى صحيح او هيچ تدبيرى نشده است آنگاه فريادش بلند مى شود و لب به انتقاد و اعتراض مى گشايد و بكائنات فحش مى دهد كه اين نوع بيماريها را انسان از كجا آورده و چرا در جامعه فوق تمدن و با همه تكامل و ترقى باز مانده و احساس عجز مى كند؟! كه زيان آن را از بيماريهاى جسمى بزرگتر و مهمتر تلقى مى كند، اينجاست كه بشر مترقى و پيشرفت كرده و با همه تكنيكها و لابراتوارها حيران مى مانند و نمى فهمند چه كنند و چه چاره اى بينديشند!

به عنوان مثال ، دانش روز خوب تشخيص داده كه بيمارى ايدز مثلا از همجنس بازى ها و بيمارى سوزاك و سفليس از زنا و آميزش و مقاربت هاى حرام و نامشروع و آلودگى ها و ناپاكى ها و انواع آلودگيهاى ديگر به وجود مى آيد كه منشاء اين مفاسد را اسلام حرام و ممنوع معرفى كرده است .

متاءسفانه دانشمندان با علم و اطلاع و انواع بيمارى هاى آميزشى ، بيشتر آلوده مى گردند و به مفاسد اخلاقى و گناهان زيادترى دامن مى زنند و هيچ توجهى به عواقب بعدى آن ندارند.

### عوامل زيبائى يا زشتى كودك ؟!

با توجه به روايات اسلامى و نظريات پزشكان و پيشرفت علوم و تكنيك امروزه ثابت شده كه غذا نقش مهمى در زشتى و هم در زيبايى كودك دارد. در اين مورد به چند حديث از ائمه عليه‌السلام توجه مى نماييم :

الصادق عليه‌السلام نظر الى غلام جميل و قال : ينبغى ان يكون ابو هذا اكل سفر جلا ليلة الجماع .(٥٦)

ميوه (به) را به زنان باردار بخورانيد، اطفال شما زيبا مى شوند. با اين دستورالعمل معلوم مى گردد كه زيبائيها و زشتيهاى كودك مى تواند به دستور پدر و مادر باشد.

### زيبائيها و زشتيهاى كودك از كيست ؟!

بوعلى سينا حكيم بزرگوار، زيبائيها و زشتيها و هرگونه نواقص خلقت را به والدين نسبت مى دهد ودر كتاب (قانون) چنين مى گويد:

١- يكى از عوامل تكوين قوه اى است كه از همان آغاز، در (منى) موجود است كه شكل دادن و تكامل جنينى به عهده آن است ، اين قوه در كار خود كوتاه آمده است .

٢- نقص و بدتركيبى ممكن است به علتى در موقع جدا شدن از رحم پيدا شده باشد.

٣- شايد قنداق كردن و به دست گرفتن طفل علت بد تركيبى باشد.

٤- گاهى عامل بدتركيبى و بد شكلى ، خارجى است مانند افتادن و ضربه خوردن .

٥- ممكن است طفل قبل از سخت شدن و نيرو يافتن اندام ، حركتهايى كرده است كه موجب كج و كولكى بدن شده است .

٦- بيماريهايى مانند جذام ، سل ، تشنج ، سست اندامى و تمدد و جابه جائى اعضاء.

٧- فربهى مفرط و يا لاغرى بيش از اندازه .

٨- ممكن است علت بد شكلى ، ورمها و شايد هم هنگام وضع (حمل) باشد.

٩- بد شكلى گاهى بر اثر زخم و قرحه ههايى است كه ممكن است اثر بد بجا گذاشته باشد.(٥٨)

مقصد زيبا دليل پاكزادگى و زيبائى است .

جمال و زيبائى مقصد يعنى همسر جميله و زيبا، شما را به پاكى و آراستگى مولد و فرزند زيبا دلالت و هدايت مى نمايد بلى زيبائى خواست هر انسان است و فطرة هر انسانى خواهان آن مى باشد.

ان الله جميل و يحب الجمال ،

خداوند مظهر تام و تمام زيبائى و جمال است و زيبائى را نيز دوست مى دارد.

همسر زيباى شما مادر فرزندان زيباى آينده شما خواهد بود، زيبايى او منتقل به فرزند شما خواهد شد. همين طور زيباييهاى چشم بادامى و ابروى كمانى و پيوسته و بينى قلمى و متناسب و لبهاى ياقوتى و قشنگ و صورت و گونه هاى سرخ و... به فرزند انتقال مى يابد، بنابراين ، اگر بخواهيد فرزندان زيبا و خوش قد و قامت و شايسته داشته باشيد در كنار ديانت و تقوا به جمال و زيباييهاى خدا داده همسرتان كه مادر يا پدر فرزندان آينده شما هستند، توجه بيشترى داشته باشيد.

ناگفته نماند كه به ندرت از والدين بدقيافه و كريه و سياه پوست و ممكن است فرزندانى زيبا و صاحب جمال و خوش قد و قامت به وجود آيند، كه آن نيز از تبحر و تخصص اين والدين است ، چرا كه با غذا و انتفاع از ميوه هايى چون گلابى ، به ، سيب و بعضى گياهان داروئى مى توان در اوقات مضاجعت ، و همبسترى به ويژه دوران حمل ، و رضاع و دوران طفوليت ، زشتيهاى وراثتى از والدين را به زيبائى تبديل نمود. بنابراين ، زن و مرد نازيبا و بدقيافه و بد قد و قامت از داشتن فرزندان زيبا نبايد تا اميد باشند، به علت اينكه آنها مى توانند با علل و عوامل خارجى و با تغذيه خوب و مناسب ، به فرزندان زيبا و نمكين دست بيابند.

پس علل و عوامل زشتى و نازيبايى كودك را بايد به پاى پدر و مادر گذاشت چون غالبا هرگونه نقص عضو و معايبى را كه كودك از مادر هنگام تولد به همراه مى آورد، از يكى يا از هر دو (پدر و مادر) مى باشد، چرا كه ، در حين همبسترى در حال مستى ، ترس و تشويش و يا كامگيريهاى نامشروع كه تواءم با وحشت و دلهره است ، در نطفه تاءثير ناهنجارى مى گذارد. تمام اين عوامل و واكنشها در كودك مظلوم كه چنين والدين ستمكار با چنان حالاتى تكون يافته و به دنيا مى آيد، موجب مى شود كه كودك با نواقص جسمى و روحى متولد شود و بزرگ گردد و به يك عضو فاسد و عاطل و باطل در جامعه تبديل شود. همچنين زشتيها و نابسامانيهاى جسمى و زننده و قبيح كودك ، اثر وراثت يا سوء تغذيه مادر و يا بيماريهاى تالاسمى و يا ازدواج فاميلى والدين است ، كه براى تمامى عمر، كودك را عليل و بيمار و ناقص نموده و طفل را در نزد دوستان و همكلاسيها و همكار و همسر، شرمسار و متاءثر مى نمايد. به ويژه در امر ازدواج گاهى به قدرى عاجز مى گردد كه ، پست ترين كسى حاضر نيست با او ازدواج نمايد.

بنابراين ، ثابت شده است كه بالاخره ، زشتيها و زيباييها، اندامهاى موزون و ناموزون ، سلامت و بيمارى ها، از پدر و مادر نشاءت مى گيرد، و از راه اسپرم و اوول به وسيله ژنها و كروموزومها به فرزندان منتقل مى گردد و احيانا عقده حقارت و خود كم بينى به وسيله نقص عضو و ديگر معايب در آنها پديد مى آورد تا جايى كه گاهى آنها را به بيماريهاى روانى گرفتار مى نمايد افراد ناقص الخلقة ، يعنى ، افرادى كه از كودكى معلول جسمى و يا عقلى و يا نقص عضو دارند، همواره اين كمبودها در آنها موجب شده است كه خود را در ميان همنوعان خويش زبون و خوار و ناتوان ببينند و احساس كنند مانند كودكى كه بر اثر فلج يك دست ، و يا يك پا، پيوسته در جمع كودكان ديگر نتوانند به طور برابر همبازى شوند و يا در بازى آنان شركت كنند.

### معايب جسمى و روانى كودك ؟!!

كودكانى هستند كه از ضعف مفرط و نقص عضو بدنى و روانى به شدت در عذابند نقص عضو بدنى شامل خيلى چيزها مى شود، از يك لكه كوچك در صورت يك دختر جوان و زيبا، يا كجى استخوان بينى ، يا كجى پا، و يا معايب ستون فقرات و يا شش انگشتى ، و يا كورى مادرزادى ، و يا منگل بودن كودك ، و يا زشتيها و ناهمواريهاى قد و قامت و امثال آن انسان را از اول تا آخر عمر زير فشار عقده حقارت ، عذاب روحى و شكنجه روانى مى دهند، و حتى كار او گاهى به ديوانگى و بيمارى روانى و حتى گاهى انتحار و خودكشى مى انجامد(٦٠)

اين زشتى و وقاحت شكل و قيافه و تيرگى و سياهى را جاحظ از پدر و مادرى زشت رو و بدقيافه از راه ژن و كروموزوم ها كسب كرده و به دست آورده است ، كه يكى از والدين اگر با يك زيبا روى سفيد چهره خوش قيافه ازدواج مى كرد. ممكن بود بيست و پنج در صد تا پنجاه درصد، زشتيهاى موروثى خود را در فرزند آينده اش تبديل به سفيدى ، ملاحت و زيبائى مى كرد، چرا كه ژن در انتقال اوصاف و اخلاق ، و نژاد سياه و سفيد نقش ‍ به سزائى را دارد بنابراين پدرم ، مادرم ، زشتيها و زيبائهايم وابسته به شما و موروثى شما والدين است .

### عوارض پرخورى و پرخوابى

پرخورى و پرخوابى مادر آبستن ، ممكن است انحطاط فكرى و بيماريهاى جسمى و تخذير روحيات خود و كودكش را فراهم سازد و علل و بيماريهاى بيشترى آينده كودك او را تهديد نمايد بنابراين والدين مسئول و متعهد توجه خاصى براى تغذيه خود در بهسازى جنين و فرزند خود داشته باشند و حتى برنامه و اندازه گيرى منظمى در رابطه با خواب و خوراك مادر رعايت شود.

امام على عليه‌السلام در فساد نفس و زيان و ضرر با پرخورى و پرخوابى چنين گوشزد مى نمايد:

كثرة الاكل و النوم تفسدان النفس و تجلبان المضرة (٦٢)

كم خورى مانع از انواع بيماريهاى جسم مى گردد.

پيشرفتهاى علمى و تكنيك عصر حاضر در تغذيه سالم موجبات سهولت و آسانى زندگى بشريت را فراهم ساخته راهها را كوتاه ، بيماران (صعب العلاج) را درمان ، و رفاهيات جوامع بشرى را فراوان كرده است بلى از راه تكنيك و دانش پيشرفته از چوب جنگل بيش از دويست نوع غذا تهيه و به بازار مصرف ارائه شده است ولى با تبديل طبيعيات و نعمتهاى الهى به صنايع غذائى دنياى امروز، مصنوعى بودن اغذيه و با مخلوط به مواد شيميائى ، نفتى و ساير افزودنيهاى مجاز...!!! ديگر مى باشد بيماريهاى جنون گاوى در انگليس كه به علت سوء تغذيه و يا تغذيه غير مجاز گاوها، و... موجب چنين بيماريهايى كشنده و نابود كننده گاوها و بشريت شده است و... و مسموم كردن گوشت لاك پشتهاى دريائى براى نجات و جلوگيرى از انقراض نوع اين حيوان از دست آنهائى كه لاك پشت مى خورند و به بد يا خوب بودن و حلال و حرام آن هيچ توجهى ندارند. و....وابسته به صنايع غذائى دنياى تكنيك و عصر اتم و پيشرفته است . اما شما مسلمانان متعهد و مؤ من ، شما خانواده هاى نجيب و اصيل ، خود و فرزندانتان را از غذاهاى بازار و خصوصا فرآوردهاى غذائى شركتهاى غربى و شرقى چندان اعتماد نكنيد و اصلا اطمينان ننمائيد و اين غذاهاى آلوده را مورد استفاده خود و خانواده محترم خود قرار ندهيد يعنى سعى كنيد از غذاهاى طبيعى و سالم و دور از مواد شيميائى و مشكوك و مشتبه استفاده نمائيد و از زندگى سالم و تغذيه حلال بهره مند گرديد. غذاى سالم مسلم است كه موجبات سلامت جسم انسان را فراهم مى سازد. امام على عليه‌السلام فرمود:

بالصحة تستكمل اللذة (٦٤)

آيا ندانستى كه من از سر سفره اى كه در آن سبزى خوردنى نباشد غذا نمى خورم برو و سبزى بياور.

خادم سبزى تهيه كرد و آورد و امام رضا عليه‌السلام غذا را با سبزى ميل فرمود: در اهميت اين مسئله مى دانيد كه امام عليه‌السلام اطلاع كافى از خواص و ويژگيهاى غذا و مفاد و آثار غذاها، دارد و علم و آگاهى دقيقتر حضرت امام به آثار و فوائد غذاها و سبزيجات خوردنى درسى براى ما پيروان آن حضرت مى باشد.

### اخطار به مادران باردار از داروهاى شيمايى

اجتناب از داروهاى شيميايى كه خود ايجاد بيماريهاى فراوان جنبى مى نمايد و توسط پزشكان هم گوشزد شده است . امام رضا عليه‌السلام در اين باره مى فرمايد:

ليس من دواء الا و هو يهيج داء

هيچ دوايى نيست ، مگر آن كه مرض را (در آدمى) تهييج مى نمايد و بيمارى و عارضه ديگرى ايجاد مى كند.

بنابراين ، با استفاده از انواع سبزيها و خوردنيها و آشاميدنيهاى طبيعى و حلال مى توان جلوگيرى از خيلى از بيماريها و علل و عوارض آن را گرفت ، به ويژه مادرانى كه در دوران حمل و باردارى هستند، بايد از خوردن هر نوع دارو در حد امكان پرهيز نمايند تا از عوارض جنبى داروهاى شيميايى در روح و جسم خود و مخصوصا فرزندى كه در رحم دارند در امان بمانند.

خطابم به تو اى پدر، اى مادر، با استفاده از مواهب طبيعت نعمتهاى الهى و ماءكولات و مشروبات سالم و بى نقص و عيب و حلال و پاكيزه نسبت به سلامت جسم و روح خود خدمت نمائيد و در حفظ الصحه و بهداشت جسم و روح خود بكوشيد تا من ، پسر يا دختر شما نيز از سلامت روح و جسم سالم شما والدين بهره مند و برخوردار باشيم .

### نامگذارى كودك

براى كودكان نام خوب انتخاب نمائيد:

هر موجودى در عالم هستى ، نامى و نشانى دارد. براى هر چيزى از قبيل گياهان حيوانات و جمادات ، و.... نامى و اسمى كه مشخص آن از ديگرى باشد ضرورت دارد انسان كه اشرف مخلوقات و موجودى عاقل و ناطق و متشخص است و همه موجودات جهان هستى براى ادامه حيات و زندگى او آفريده شده اند، به اين نام و نشان نيازمندتر و سزاوارتر است شايسته است كه براى اين موجود برتر، نامى برتر از ساير موجودات انتخاب شود كه در فراخور حال و شرافت و كرامت انسانى او باشد پيامبر بزرگ اسلام در انتخاب نام نيكو براى كودك به حضرت على عليه‌السلام چنين فرمود:

حق الولد على والده ان يحسن اسمه و ادبه (٦٦)

از اين حديث شريف چنين برمى آيد كه اسلام مسئله نام و شغل را فوق العاده اهميت مى دهد.

پيامبر فرمود: نام نيكو برايش انتخاب كن و به درستى ادبش نما و به كار خوب و مناسب بگمارش .

والدينم ، اين حق بزرگ من بر شما است كه مرا به نام نيكو و شايسته كه در خور شاءن و مقام انسانى من است براى من انتخاب نمائيد و براى من شغلى و هنرى مناسب و پاك و حلال اختيار و انتخاب كنيد.

### نام نيكو گرامى ترين عطيه والدين به فرزند است

اگر عطيه و هديه شايسته ، كه براى يك عمر به فرزندتان مى بخشيد بهتر است نام نيكو و شايسته براى او انتخاب نمائيد. پيامبر بزرگ اسلام در نامگذارى فرزندان ، مى فرمايد:

ان اول ما ينحل احدكم ولده الاسم الحسن .(٦٨)

عربها اهل جنگ و تهور بودند و بر دشمنان خود مى تاختند، بدينوسيله دوست داشتند فرزندانشان را به نام حيوانات مى ناميدند.

حضرت صادق عليه‌السلام در تاءكيد و توصيه به شيعيان خويش در نامگذارى دخترانشان به اسامى حضرت فاطمه عليها‌السلام مى فرمايد:

لفاطمة عليه‌السلام تسعة اسماء عند الله عزوجل ، فاطمة ، الصديقة ، المباركة ، الطاهرة ، الزكية ، الراضية ، المرضية ، المحدثة ، و الزهراء عليها‌السلام .

براى حضرت فاطمه سيده نساء العالمين نزد خداوند نه اسم معروف مى باشد. سزاوار است شيعيان و مسلمانان دختران عزيز و محترم خويش را به يكى از اين اسماء بنامند و دختران خويش را به اين نام گرامى بدارند.

### نامهاى تحقيرآميز جاهليت

عربها مردان جنگ و نبرد بودند، اسمهايى را روى فرزندان خود مى گذاشتند تا وقت صدا زدن ، در دل دشمن ايجاد هول و هراس نمايد.

با اين كه اين اسامى در بين ايشان معمول بود، اما گاهى در بين خودشان مورد تحقير و توهين قرار مى گرفتند و با اين اسمها همديگر را توبيخ و سرزنش مى نمودند.

نام يكى از رؤ ساى عشاير عرب جاريه بود، جاريه يك نوع مار و افعى است . اين مرد بسيار قوى ، صريح اللهجه و با شخصيت بود ولى نامش را جاريه گذاشته بودند. او و طرفداران و قبيله اش از حكومت ظالمانه معاويه ناراضى بودند و در دل نسبت به وى كينه و دشمنى داشتند. معاويه كه بدبينى جاريه و طايفه او را احساس كرده بود، تصميم گرفت روزى در محضر مردم به او توهين كند و نامش را وسيله تمسخر و تحقير قرار دهد. فرصتى پيش آمد و جاريه با معاويه روبرو شد، معاويه به تمسخر گفت :

چقدر تو نزد قوم و قبيله ات پست و ناچيزى كه اسم تو را جاريه مارگذاشته اند؟!

جاريه فورا و بدون تاءمل گفت :

ما كان اهونك على قومك اذ سموك معاويه ، وهى الانثى من الكلاب .

اين معاويه : چقدر تو نزد قوم و قبيله ات پست و ناچيزى كه اسم تو را معاويه : سگ ماده گذاشته اند.!

معاويه كه تصور نمى كرد، كسى جراءت كند معناى اسمش را به ميان آورد، سخت ناراحت شد و گفت : بى مادر! ساكت باش !

جاريه جواب داد: من مادر دارم كه مرا زاييده است ، به خدا سوگند! دلهايى كه بغض تو را در سينه خود مى پرورانند، در سينه هاى ماست و شمشيرهايى كه با آنها با تو نبرد خواهيم كرد در دستهاى ماست . تو قادر نيستى به ستم ما را هلاك كنى و نمى توانى به زور بر ما حكومت نمايى . تو در زمامدارى بر ما عهد و پيمانى سپرده اى ما نيز طبق آن پيمان و عهد قول شنوايى داده ايم . اگر تو به پيمانت وفا كنى ، ما هم به اطاعت و فا داريم و اگر تخلف نمايى ، بدان ، كه ، پشت سر ما گروه مردان نيرومند و شمشيرهاى برنده است .

معاويه كه سخت شكست خورده بود، گفت :

لا كثر الله فى الناس مثلك يا جاريه

خداوند مانند تو را در جامعه زياد نكند اى جاريه !

در اين حكايت به زشتى نام هاى اين هر دو، معاويه و جاريه برخورد مى كنيم ، كه موجب شرمسارى و ناراحتى آنان گرديد.

### نامهاى نفرت انگيز

در اين داستان ، يكى ديگر از جاهائى كه معاويه ..... در رابطه با نامش ‍ شكست خورد و بيچاره شد، داستانش با شريك بن اعور، است كه در زشتى نامگذارى بر او، موجب تنبه و عبرت براى همه است .

مردى به نام شريك بن اعور، سيد و بزرگ قوم خود بود و وى در زمان معاويه زندگى مى كرد و شكل بدى داشت و اسمش را شريك ناميدند كلمه شريك اسم خوبى براى انسان نيست ، پدرش را اعور، يعنى يك چشم مى گفتند، در يكى از روزهائى كه معاويه در اوج قدرت بود. شريك بن اعور به مجلس ‍ او آمد. معاويه از اسم نامطلوب وى و پدرش و نيز از شكل او بدش آمده بود از اين فرصت استفاده كرده و او را به باد تحقير و اهانت گرفت و گفت :

والله انك لشريك و ليس من شريك و انك ابن اعور، و الصحيح خير من الاعور، و انك لدميم والوسيم خير من الدميم ، فبم سودك قومك .

نام تو شريك است و براى خدا شريكى نيست ، تو پسر اعورى و سالم بهتر از اعور است ، صورت زشت و بدگلى دارى ، خوشگل و زيبا بهتر از بدگل چرا قبيله ات تو را به سيادت و آقايى برخود انتخاب كرده اند؟! شريك در جواب گفت : به خدا سوگند! تو معاويه هستى و معاويه سگى است كه عوعو مى كند و تو عوعو كردى نامت را معاويه گذاشته اند، تو فرزند حربى و سلم و صلح از حرب و جنگ بهتر است ، تو فرزند صخرى و زمين هموار از سنگلاخ و صخر بهتر است با اين همه زشتيها چگونه به مقام زمامدارى نايل آمدى ؟!

سخنان شريك بن اعور چنان معاويه را شكست داد و خشمگين كرد كه معاويه شريك را قسم داد كه از مجلسش خارج شود.

### در نامگذارى فرزند حرمت بزرگانتان را پاس داريد

نامگذارى فرزندانتان را به مؤ منان و بزرگان خانواده بسپاريد و از آنها در انتخاب نام سبقت نگيريد آقا زيد بن على از پدرش نقل نموده كه حضرت على بن الحسين عليه‌السلام فرمود:

لما ولدت فاطمة الحسن عليه‌السلام قالت لعلى سمه ، فقال ما كنت لاسبق باسمه رسول الله .(٧١)

فقر (مادى و معنوى) داخل آن خانه نمى شود كه افراد آن به نام هاى محمد يا احمد و يا على و يا حسن و يا حسين يا جعفر يا طالب و يا عبدالله و براى خانمها فاطمه و اسامى ديگر آن حضرت و يا اسامى مباركه ديگر كه از معانى و مفهوم خوبى برخوردار مى باشد. انتخاب نمايند.

پدر! مادر! در انتخاب نام ما دخترانتان چرا از نامهاى نه گانه فاطمه عليها‌السلام دخت گرامى رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نامگذارى نمى كنيد كه گذشته از امتيازات موجود و معانى خوب ، سزاوارند مسلمانان جهت احياء اسلام و رهبران معصومشان اسمهاى مبارك ايشان را براى اطفال خويش اختيار نمايند و از نامهاى زشت و قبيح و بد معنى اجتناب كنند.

كان رسول الله يغير الاسماء القبيحة فى الرجال و البلدان .(٧٣)

(راوى گفت) ما (شيعيان شما) به نامهاى شما و پدران شما نامگذارى شده ايم (و فرزندان خويش را به اسمهاى شما نام مى گذاريم) آيا براى ما نفعى دارد؟

حضرت فرمود: آرى ، و الله ! آيا دين غير از حب و محبت است ، كه خداوند از قول پيامبر مى فرمايد: اگر شما خدا را دوست مى داريد، پس از من پيامبر پيروى كنيد، خداوند شما را دوست خواهد داشت ، و شما را مى آمرزد و از گناهان شما مى گذرد.

پس اگر پيامبر و آلش عليهم‌السلامرا دوست ميداريم ، نام فرزندان خويش ‍ را از نام آنان انتخاب كنيم و در پيروى از آنها عملا مبادرت ورزيم .

از پيامبر اكرم است :

من ولد له اربعة اولاد و لم يسم احدهم باسمى فقد جفانى .(٧٥)

كودكان سقط شده خود را نامگذارى كنيد، زيرا وقتى مردم در روز قيامت به اسمشان خوانده مى شوند، كودكان سقط شده به پدرهاى خود مى چسبند و مى گويند چرا ما را به چيزى نامگذارى نكرديد؟!

در اسلام نامگذارى فوق العاده اهميت دارد تا آنجا كه فرزندان قبل از تولد نامگذارى مى شدند و محسن فاطمه عليها‌السلام قبل از سقط، پيامبر خدا او را محسن ناميده بود. در پايان اين فصل توصيه ما به شما اينست كه از نامگذارى فرزندان عزيزتان به اسامى پيامبران و ائمه و اولياء الله و اسمهاى خوب و با معناى مبارك غفلت نورزيد.

## دوران رضاع و شيرخوارى

### مادر و دوران شيرخوارى كودك

شير تغذيه كودك در تربيت او نقش بنيادين دارد چون بنياد يك بنا كه اگر سست و كج و ضعيف باشد بقاء و دوام و استحكام آن خدشه دار مى گردد.

پس از اجراى وظايف سنگين دوران باردارى ، اينك فرزندى پاك و نوزادى شايسته پا به عرصه وجود نهاده و وظيفه مادر را سنگين تر و تعهد تربيتى و اخلاقى و حقوقى مادر را بيشتر و بزرگتر كرده است . تمام وظايف دوران باردارى به اضافه صيانت نفس از هواها و هوسها و بهداشت جسمى و روحى كودك و دهها مسئوليتهاى تربيتى ديگر پس از زايمان بر دوش مادر سنگينى مى كند.

اكنون قوانين و قواعد تربيتى اسلامى را در اين باره مطرح مى نمائيم تا ببينيم اسلام چه دستورالعملهائى در زمان رضاع و شيرخوارى فرزند داده و وظايف مادر را در مورد اين مسائل چگونه بررسى و مقرر نموده است .

### قرآن شير كامل را دو سال معين نمود

نياز كودك از نظر تغذيه جسم و روح به دو سال شير از مادر، يا دايه تعيين نموده است و بر اين معيار، هم روايات و احاديث اهلبيت دلالت دارد و هم اطبا گواهى مى دهند و تائيد مى كنند و قرآن دوران شيرخوارى را دو سال تمام معين نموده و مى فرمايد:

والو الدات يرضعن اولادهن حولين كاملين ...(٧٧)

ضرورت رضاع و شير دادن به بچه ٢١ ماه است و اگر كمتر از ٢١ ماه شد، شير و تغذيه كودك شير خوار ناقص مى ماند و اگر زنى بخواهد شير دادن را تكميل نمايد، بايد ٢٤ ماه كامل به فرزندش شير دهد.

### امام حسين چگونه پرورش يافت ؟

امام حسين عليه‌السلام از انگشت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم تغذيه مى كرد و مادرى چون فاطمه سيده نسوان عالم به او شير داد و او در حقيقت در آغوش اسلام و ايمان پرورش يافت . در زيارت امام حسين عليه‌السلام در روز عرفه مى خوانيم :

غذتك يد الرحمة و رضعت من ثدى الايمان و روبيت فى حجر الاسلام .(٧٩)

طعام حرام بد طعامى است .

حضرت امام در مذمت طعام حرام و اجتناب از آن ما را دعوت مى نمايد و در مورد كسب حرام هم اخطار مى كند:

بئس الكسب الحرام

بد كسبى است كسب حرام .

اگر در فلسفه و علت حرمت طعام و تغذيه و كسب حرام دقيق شويم ، گذشته از تاءثير غذاى حرام ، كسب حرام نيز ايجاد شقاوت و خشونت و بدبختى مى نمايد و در زاد و ولد و نسل آدمى هم تاءثير بد خود را خواهد گذاشت و بنابراين بر والدين لازم است هم خود و مخصوصا فرزندان معصوم و بى گناه خويش را از كل غذاهاى حرام و مشروبات حرام به دور نگهدارند تا به واكنش اعمال قبيح خويش از قبيل داشتن فرزندان بد و بى تربيت و آلوده گرفتار نگردند و فرزندان خويش را به انواع بيماريهاى روحى و جسمى مبتلا نسازند.

### صاحب و مالك شير پدر است نه مادر

شير دادن به كودك ، حقيقتى است كه از نظر شرع براى مادر ثابت شده است لكن مالك و صاحب شير كودك پدر اوست نه مادرش در تفسير آيه شريفه مى خوانيم :

و على المولود له رزقهن و كسوتهن بالمعروف و...

منظور از كلمه مولود له پدر طفل است ، و منظور از زرق و كسوة خرجى و لباس است و خداى عزوجل اين خرجى و نفقه را مقيد به معروف كرد يعنى (اين كار) متعارف از حال چنين شوهر و همسر است (كارى شايسته و نيك است .)

اين آيه شريفه مى فهماند كه فرزند از آن پدر است و براى او زائيده شده است چون رزق و روزى و لباس و هزينه زندگى مادر و كودك به عهده شوهر و پدر است ، همچنانكه نفقه همسر نيز به عهده شوهر است ، پس بايد شير را متعلق به شوهر دانست و ملك اوست و بى اذن او زن نمى تواند شيرش را از كودك شوهرش بازگيرد مگر در بين ايشان تراضى و توافق به وجود آيد و همچنين زن نمى تواند با عدم رضايت شوهر به بچه غير، شير بدهد يعنى مالك شير شوهر است ، نه زن مالك شير خود باشد.

### فرزند از نظر تكوين و تشريع به چه كسى تعلق دارد؟

از نظر تكوينى خالق هر مولودى خداست ، ولى فرزند به والدين ، يعنى هم به پدر و هم به مادر، تعلق دارد. اما از نظر تشريع فرزند متعلق به پدر است ، به دو دليل - دليل اول

قرآن فرزند را متعلق به پدر دانسته و مى فرمايد:

و على المولود له رزقهن و كسوتهن بالمعروف

صاحب فرزند خوراك و پوشاك او را به شايستگى عهده دار است .

يعنى بر پدر است رزق و روزى و لباس زن و فرزندان .

و دليل دوم : آيه شريفه

و على الوارث مثل ذلك

وارث نيز مانند اين را بر عهده دارد.

يعنى همان حقى كه از پدر برفرزندان است كه بايد رزق و روزى و لباس ‍ كودكان را تاءمين نمايد، اگر پدر مرد، همه مسئوليت پدر به عهده وارث او يعنى ناظر و مثل پسر بزرگ او خواهد بود.(٨١)

براى كودك از شير مادر چيزى بهتر و برتر وجود ندارد.

پس براى تاءمين سلامت روح و جسم ، و هماهنگى و موازنه اعضاء و جوارح بدن و هوش و ذكاوت و استعداد خلاق به اضافه زيبائى و طراوت كودك مى باشد. شايسته است هيچ غذايى جز شير مادر را به كودك ندهند، زيرا نه تنها نمى شود با غذاهاى ديگر همه ويتامينهاى لازم و نيازهاى جسمى و روحى او را تاءمين كرد، بلكه كمبودها و نارساييهاى شير خشك و يا غذاى ديگر كه هم از نظر سلامت و بهداشت و هم از نظر حليت و پاكيزگى مشتبه و مشكوك است و غذاهاى ساخت كارخانجات و شركتهاى غير مسلمان و يا مسلمان بى تعهد و ماديگرا و لو مملو از ويتامينهاى مختلف هم باشد، مورد اعتماد نيست و نيازهاى جسمى و روحى كودك را نيز نمى تواند كاملا تاءمين كند و نيز غذاهاى غير شير مادر موجب نقصان بعضى از ويتامينها و پروتئين ها مى گردد و ساير مواد لازم بدن كودك را نمى تواند تاءمين كند. و بيماريهاى جسمى و روحى كودك بعدها بروز و ظهور مى نمايد، شقاوت و بيرحمى او آشكار مى گردد.

در دختران بى حيائيها و بى عفتيها و بد اخلاقيها از او ظاهر مى شود.

در نتيجه ، كودكان اغلب بيمار و ناتوان و ضعيف مى مانند و به طور مداوم ، بايد آنها را پيش طبيب برد تا شايد كودك سلامت خود را باز يابد. ناگفته نماند كه ، غذاى مادر شيرده هم بايد سالم و مقوى و از غذاهاى متنوع سرشار از ويتامينها و كلسيم ها و آهن و....باشد كه تا همه نيازهاى جسمى و روحى كودك تضمين گردد. پيامبر اكرم فرمود:

الرضاع يغير الطباع

شير طبيعت بچه را تغيير مى دهد.

دانشمندان و متخصصين تغذيه دستور العمل تهيه غذاى مادرى كه بچه شير مى دهد، در كتابهايشان آورده اند، مادران مى توانند جهت تغذيه و بهداشت روح و جسم فرزندانشان به اين نوع كتابها مراجعه نمايند و از غذاهاى مفيد و مؤ ثر بهره گيرند. بنابراين ، اگر مادر به سلامت جسم و روح فرزند عزيزش علاقه مند است ، به طور حتم از شير دادن به بچه اش مضايقه نكند. مولا على عليه‌السلام در اهميت تغذيه با شير مادر مى فرمايد:

ما من لبن رضع به الصبى اعظم بركة عليه من لبن امه (٨٣) با اين بيان ، حرمت و عظت مادر و وظيفه شناس و متعهد روشن مى شود، جا دارد كه چنين زنان شايسته بر خود ببالند و بر خيلى از مردان وظيفه نشناس تفاخر كنند.

سعدى عليه الرحمه مى گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| زنانى كه طاعت به رغبت برند |  | ز مردان ناپارسا بگذرند |
| تو را شرم نايد زمردى خويش |  | كه باشد زنان را قبول از تو پيش |
| زنان را به عذرى معين كه هست |  | زطاعت بدارند گه گاه دست |
| تو بى عذر يك سونشينى چو زن |  | رو اى كم ز زن ، لاف مردى مزن |

زنان پرهيزگار آنهايى هستند كه از دوران انتخاب همسر و دوران باردارى ، و دوران رضاع و شير به وظايف تربيتى و اخلاقى خويش كاملا آگاه و به دستور اسلام و اهلبيت عليه‌السلام عمل مى نمايند.

### يكى از دو پستان مادر غذا، و ديگرى آب است

از شگفتيهاى آفرينش در خلقت انسان و غذايى كه براى كودك قبل از ولادت ، آفريدگار مهربان در پستان مادر ساخته و آفريده ، اين است كه تغذيه با هر دو پستان مادر ساخته و آفريده ، اين است كه تغذيه با هر دو پستان مادر در تاءمين نيازمنديهاى جسمى كودك فوق العاده ضرورت دارد. امام صادق عليه‌السلام به ام اسحاق كه به فرزندش شير مى داد، چنين فرمود:

يا ام اسحاق لا ترضعيه من ثدى واحد و ارضعيه من كليهما يكون احدهما طعاما و الآخر شرابا(٨٥ )

زن مرضعه و شيرده اعم از اينكه مادر بچه باشد يا دايه اى كه براى بچه انتخاب كرده اند بايد از سجاياى اخلاقى شايسته اى برخوردار باشد و از محرمات و اوصاف ناشايست به دور بماند، چون تمامى اوصاف شايسته و ناشايسته و آثار غذاى حلال و حرام از روزنه پستان مادر به بچه منتقل مى شود در حقيقت ، كودك نقش دوم مادر است كه به اوصاف مادر متصف مى گردد.

اگر بدانيد چرا هنگام دار زدن مجاهد صدر مشروطه ، حاج شيخ فضل الله نورى - رحمة الله عليه - فرزندش در پاى دار كف مى زند و خوشحالى مى كند؟! پاسخ !! به خاطر اين است كه اين فرزند ماهها از پستان زن مرضعه اى شير مى نوشد كه بعدا مى فهمند آن زن ناصبيه (٨٧)

نظر كنيد و ببينيد، چه كسى فرزند شما را شير مى هد، چون فرزند شما با شير آن زن پرورش يافته و بزرگ مى شود.

چنانكه در گذشته يا در آور شديم ، فرزند نقش دوم مادر است ، اوصاف و سجاياى ، اخلاقى ، زيبائيها و زشتيها مادر به فرزند منتقل مى گردد، بنابراين ، پدرم اگر يك مادر مهربان ، زيبا، و نجيب و پاكدامن براى من اختيار كنى ، من نيز از سجاياى اخلاقى و از زيبائيهاى مادرم زيبا و آراسته مى گردم .

### مرضعه زيبا، فرزند شما را زيبا مى سازد

امام باقر عليه‌السلام در تاءثير شير و تغيير حالت كودك به وسيله شير مى فرمايد:

عليكم بالرضاع من الظؤ رة فان اللبن يعدى .(٨٩)

براى فرزندت مرضعه نيكو و زيبا و داراى شير پاك انتخاب كن و از مرضعه زشترو و بدتركيب اجتناب كن چون شير سرايت كننده و مؤ ثر است .

### تاءثير شير بر جسم و روان كودك

در تاءثيرپذيرى شير بر جسم و روح كودك ، چيزى است كه همه دانشمندان به آن اعتراف دارند، به ويژه انبياء و اولياء گرامى خدا بر آن اعتماد كرده اند و علوم روز و دانش پيشرفته بشر آن را تاءييد نموده اند.

اينك به داستانى در مورد تاءثير شير بر جسم و هم بر روح توجه نماييد.

ابوالمعالى امام الحرمين كه از مفاخر اسلام به شمار مى آيد پس از مدتى اقامت در مكه و مدينه بنا به دعوت خواجه نظام الملك به نيشابور بازگشت ، در آن زمان آلب ارسلان سلجوقى سلطنت مى كرد و خواجه نظام الملك دانشمند مشهور نيز به مقام صدارت و وزارت منصوب بود.

خواجه نظام الملك براى ابوالمعالى امام الحرمين مدرسه نظاميه را ساخت و كرسى خطابه و تدريس را به ايشان واگذار كرد.

پدر ابوالمعالى ، شيخ ابو محمد عبدالله از فضلا و پرهيزكاران زمان خود بود از راه تجليد و تصحيف و نويسندگى و نسخه بردارى كتب ، تاءمين زندگى مى كرد و از دسترنج خود پولى حلال جمع نموده ، كنيزى را خريدارى كرد. اين كنيز پرهيزكار و خوشرفتار و داراى صفاتى پسنديده بود. وى پس از مدتى حامله شد، شيخ بعد از كسب اطلاع از باردارى همسرش بيشتر در قسمت حلال بودن خوراك خانواده خود مراقب مى كرد. هنگامى كه همسرش وضع حمل نمود، سفارش اكيدى كرد كه مبادا به فرزندش از شير زنهاى ديگر بدهند، در نتيجه ، زحمات و كوششهاى او بيهوده شود.

شيخ يك روز داخل اتاق شد، مادر بچه را در حال كسالت ديد، و بچه هم در اثر گرسنگى به شدت گريه مى كرد، زنى از همسايه براى عيادت آمده بود در آنجا حاضر بود، براى ساكت و آرام نمودن بچه ، پستان خويش را در دهان بچه گذاشت ، بچه مقدارى از شير آن زن خورد و آرام گرفت . شيخ چون با خبر شد، بسيار متاءثر گرديد، بچه را گرفت و سر او را پايين نگه داشت و با دست خود شكم بچه را مى ماليد و با انگشت حلق بچه را باز كرد تا هر چه شير خورده از دهانش بيرون بريزد. شيخ در آن موقع مى گفت : مرگ بچه ام بر من آسانتر است از اين كه زنده بماند، در صورتى كه طبيعت او آلوده به فساد و بيمارى و سرشته با شير مجهولى باشد.

ابوالمعالى مى گويد: هنگام بحث و مناظره علمى گاهى يك نوع سستى و فتور و بيمارى در من ايجاد مى شد و اين اثر همان بقيه شير زن همسايه است كه در بدنم باقى مانده است .(٩١)

شايسته است اين دستورالعمل علمى و بهداشتى را هر زن مرضعه اى از بوعلى سينا، اين حكيم بزرگوار اطاعت نمايد و آنرا نصب العين خود قرار دهد تا در تغذيه شير به وظايف مادرى خود به خوبى عمل نمايد.

## دوران خطير طفوليت

### دوران پس از شير خوارى

دوران پس از شيرخوارگى كودك ، دوران پرمسئووليتى است براى پدر و مادر، كه كوچكترين غفلت و عدم توجه در تربيت و تغذيه جسمى و روحى كودك ، عوارض غير قابل جبرانى به بار مى آورد. در اين سنين شالوده تربيتى دوران حمل و باردارى ريخته مى شود. يعنى اگر مادر به او وعده هاى دروغ بدهد، دروغگو به بار مى آيد. كلمات زشت و قبيح بر زبانش بگذارد، ياد مى گيرد، و وقاحت اين كلمات بد و زشت نيز بعدها از كودك برداشته مى شود. اگر در حضور پدر و مادر و اعضاى خانواده و يا همبازيهاى او فحش و ناسزا و تمسخر و حرفهاى زشت رد و بدل شود، در روحيه او در اين سنين تاءثير منفى زيادى دارد، كه ابعاد همان نوع فحاشى و ناسزا را نسبت به ديگران اعمال مى نمايد. خدا نكند كه احساس كند، پدر و مادر يا ديگر اعضاى خانواده چيزى را از جايى برداشته و دزديده باشند يا به حقوق يكديگر تعدى و تجاوز نمايند به جدى يا به شوخى كافيست كه از همان آوان كودكى ، در حد توانش ، دست به اعمال بدى بزند و كارهاى زشت بياموزد.

سئوال اينست كه چه كسى از ابتدا كارهاى زشت ، بديها و جنايات و خيانت به كودك مى آموزد، كودكى كه هنوز چشمش جز به پدر، مادر، خواهران ، برادران ، و اعضاى خانواده باز نشده چرا بعضى كارهاى زشت از او سر مى زند؟!

پاسخ اينست قهرا زشتيها را از بعضى از اعضاء خانواده آموخته است ! آيا خانواده متعلق به پدر و مادر نيست ؟ آيا همه اعضاء خانواده به رئيس ‍ خانواده و همسر او ارتباط ندارد؟

نتيجه اينكه كودك هه بد آموزى ها را از پدر و مادر دارد، كما آنكه همه محاسن و خوبيهايش را از ايشان دارد.

محيط خانواده به منزله يك مركز آموزش و در حقيقت دانشگاهى است كه كودك قبل از دبستان بايد اين دوره آموزشى را به خوبى طى كند.

كودك در دوران پرورش و آموزشى و قبل از رسيدن به مدرسه ، صحنه منزل ، آغوش پدر و مادر و اعضاء خانواده ، براى او يك صحنه سينمائى است ، يك مركز آموزش است همچون آپارات عكاسى ، تمامى صحنه هاى خوب و بد و خير و شر و زشت زيبا را در ذهن خود، در كامپيوتر مغز خود عكسبردارى و ضبط مى نمايد و چون ضبط صوت همه اصوات و صداهاى بد و خوب و حلال و حرام و همه كلمات خوب و بد و صواب و ناصواب را مى شنود و در كامپيوتر مغز خود جا مى دهد. و به وقت پاسخ مى دهد و حرفش را مى زند.

### كودك و مشقتهاى تعليم و تربيت

دوران طفوليت كودك متحمل سختيها و ناملايمات شديدى مى شود لكن هر چه بيشتر با دشواريهاى تربيتى و آموزشى مواجه باشد به درجات بالاتر و مقامات قابل توجه و بيشترى دست مى يابد. و در سازندگى و رشد و تكامل او نقش بسزائى دارد.

امام على عليه‌السلام مى فرمايد:

بالتعب الشديد تدرك الدرجات الرفيعة و الراحة الدائمة .(٩٣)

بهتر آنست كه طفل در كودكى با سختى و مشكلات اجتناب ناپذير حيات كه غرامت زندگى است روبرو شود تا در جوانى و بزرگسالى ، بردبار و صبور باشد.

دوران كودكى و طفوليت را به سختى سپرى نمايد تا مقاومت و پايدارى دوران جوانى و پيرى را تجربه كنيد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فرزند خرد را به مشقت بزرگ كن |  | كز زحمت است هر كه به راحت رسيده است |
| ور نه ز چشم دهر بيفتد چه طفل و نك |  | آن بى هنر پسر كه تو را نور ديده است |

پيوسته در نياز و نقم پايد آن پسر كورا پدر به ناز و نعم پروريده است آسان كشد به ساحل مقصود رخت بخت آن ناخدا كه سختى دريا كشيده است

### به عهد و پيمان با كودكانتان وفادار باشيد

كودك شما نهايت اعتماد و اطمينان را به شما دارد، در وعده هائى كه به او مى دهيد حتما عمل كنيد، چرا كه فرزندانتان هيچ پشتوانه اى قوى ترى از شما نمى شناسند اگر شما نسبت به آنها اعتماد نكنيد اعتبار خود را ضايع مى نمائيد، اولين تربيت منفى يعنى روش بى اعتمادى را به او مى آموزيد و ديگر به شما اطمينان نخواهد كرد و هيچ اعتبارى پيش ايشان نخواهيد داشت .

پيامبر گرامى اسلام در هدايت و دستور روان تربيتى خويش ‍ مى فرمايد:

احبو الصبيان وارحموهم و اذا وعدتموهم شيئا ففوا فانهم لايدرؤ ن الا انكم ترزقونهم .(٩٥)

حق كودك و فرزند صغير نسبت به تو اينست كه به او ترحم نمائى و از پذيرائى و نگهدارى او از گرما و سرما و بيماريها مضايقه ننمائى و در ثقافت و آموزش نظامى و پيشاهنگى و آمادگى او براى مبارزه با دشمن ، كوتاهى نكنى و در تعليم و تربيت اسلامى و دينى او بكوش و از خطاها و لغزشهاى او بگذرى و اشتباهات و بديهايش را بپوشانى و در كار تعليم و تربيت و آموزش و پرورش با او به رفق و مدارا عمل كنى .

### جوان و ارزشهاى نظامى و بسيجى

در اسلام شنا و تيراندازى و مسابقات براى جوانان بسيار تاءكيد شده است ، و براى زنان كارهاى هنرى و انواع بافندگى و ريسندگى و كارهاى دستى كه در محيط منزل و در درون خانه و كارخانجات محصور انجام پذيرد توصيه شده است و تعليم و تعلم سوره مباركه نور و مفاهيم آن از جمله كارهائى است كه براى بانوان توصيه و تاءكيد نموده اند.

پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:علموا ابناءكم السباحة و الرمى و المرئة المغزل و سورة النور(٩٧)

پيامبر خاتم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود:

من كان عنده صبى فليتصاب له .

### آموزش ولايت و محبت به اهلبيت عليه‌السلام

حساسترين فراز مسئوليت والدين مخصوصا مادر اينست كه درس محبت و دوستى اهلبيت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به فرزندانشان بياموزند تا او مهر و محبت امامان معصوم عليهم‌السلامرا در قلب كوچك او جاى دهند و اين تعهد و مسئوليت براى والدين مسئوليتى بس بزرگ و خطير است .

از زبان على امير مؤ منان عليه‌السلام اهلبيت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را بشناسيم ، و فرزندانمان را به محبت ايشان تاءكيد و توصيه نمائيم .

فرمود: لا يقاس بآل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم من هذه الامة احد و لايسوى بهم من جرت نعمتهم عليه ابدا و....

هيچيك از اين امت با آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم طرف مقايسه نبوده و كسانى كه هميشه از نعمت و بخشش ايشان بهره مندند با آنان برابر نيستند.

آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم اساس و پايه دين و ستون ايمان و يقين هستند و آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم كه دور افتادگان از راه حق به آنان رجوع كرده و واماندگان به ايشان ملحق مى شوند و خصائص ‍ امامت و آنان جمع و حق ايشان است و بس .(١٠٠)

بنابراين ، والدين به ويژه مادر در تربيت فرزند بايد از خواب و آرامش خويش ‍ بكاهد و با كارشناسى خاص مادرى خود، به زيربناى تربيتى و سازندگى كودك خويش توجه بيشترى نمايد، همواره با پرورش جسمى ، پرورش روح و روان و اخلاق او را نيز به طور جدى به عهده داشته باشد. مادر در تربيت روانى كودك درس شهامت ، شجاعت ، سخاوت ، بلند همتى و سيادت و بزرگوارى و كرامت نفس را بايد به او بياموزد و سعى كند جبن و ترس و هر چيزى كه خود از آن مى ترسد و يا ترس آور است ، از بچه دور كند، مثلا، ترس از سوسك ، مارمولك ، گربه و هر چيز ديگر را از ذهن كودك بزدايد و فرزندش را ترسو به بار نياورد، بلكه از همان دوران كودكى با تدبير و تجربه شايسته خود درس شجاعت و شهامت و صبر و مقاومت و تحمل بر شدائد زندگى به كودك خويش القا كند و ورزش و شنا و تيراندازى و آموزش هنر به او در حد قدرت و امكانش بياموزد و نحوه حفظ و قرائت قرآن و حديث و دانش دين و مذهب و علوم ديگر به او تعليم دهد و حافظه و استعداد او را درخشان و شكوفا نمايد و از هرگونه سعى و تلاش در شكوفا ساختن استعداد فرزندش مضايقه ننمايد.

### درس سخاوت و سيادت به كودكانتان بدهيد

سخاوت و بخشش ، صفت پسنديده اى است كه مادر به خوبى مى تواند در دستور كار تربيتى خود براى فرزندش قرار دهد، مثلا، به او دستور دهد از خوردنى و اسباب بازى يا ميوه و هر چيز مناسبى كه در دست دارد به همبازيها و همكلاسيها و ديگران بدهد تا با اين نوع بذل و بخشش ، خصلت سخاوت به خود بگيرد و حس تعاون و كمك به همنوعان را در روحيه او پرورش دهد و زنده كند و از هر چه بخل و فرومايگى است او را حفظ نمايد و اخلاق سيادت و بزرگوارى و احراز شخصيت ، متانت و مناعت طبع ، صداقت و امانتدارى و وفاى به عهد و هر صفت برجسته اخلاقى و اسلامى و انسانى را براى كودك درسى الزامى قرار دهد. كه پدر و مادر در سنين طفوليت اين درسها را در خانه و محيط گرم خانواده به كودك بياموزند و از دنائت و پستى طبع و اوصاف زشت و كارهاى خلاف اخلاق و اظهار هرگونه خشونت و پرخاشگرى ، دروغ ، افتراء و هر صفت زشت و بد و حرام را مادر بايد از روح و روان كودكان پاك و دور سازد و نيز صحنه هاى زننده و وقيحانه از كارهاى زشت مثل فحاشى و دعوا با همسايه و همخانه و يا پرخاشگرى را با همسر و اعضاى خانواده يا ديگرن در حضور كودك خويش انجام ندهند و هر چيز بد را از چشم و گوش و ديد و شنيد فرزندان دور سازند و محيط زندگى ايشان و محور وجود فرزندان از حركات زشت ، پاك نمايند و روحيه پاك و اصالت و نجابت ، فطرت پاك اسلامى و توحيدى وى را همچنان تقويت نمايند.

بلى اولين معلم كودك مادر است ، كه او بهتر از هر كس مى تواند در محيط سالم منزل كودكانش را به نحو احسن تربيت كند و قدرت دارد كارهاى زشت و بى فضيلتى را از محيط زيست بچه ها دور سازد. بلى ! با اجراى اين دستورالعمل اسلامى و تربيتى است كه اين مادر بهشتى و وظيفه شناس ‍ بهشت را براى كودكانش در زير قدمهاى خود دارد.

### نوابغ عالم چگونه پروريده شده اند؟

مسائل و قصص و مطالبى كه نمايانگر تربيت صحيح و فوق العاده آموزش و پرورش منظم و فوق برنامه است . و سهم تربيتى والدين و حسن امر خير ايشان را تبلور خاص مى بخشد.

و اينك به عنوان حسن ختام در اين كتاب حالات كودكى حضرت بقية الله الاعظم امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف به نظر شما خوانندگان محترم مى رسد.

### امام زمان از كودكى صاحب امر دنيا و آخرت بود

بى ترديد يكى از نوابغ بزرگ عالم حضرت مهدى امام عصر ارواحنا فداه مى باشد وجود مبارك حضرتش از بدو تكون و انعقاد نفس نفيسش تا در دورانى كه در حمل والده ماجده اش حضرت نرجس خاتون عليها‌السلام بسر مى برد، و تا هنگام تولد، صاحب معجزات و كرامات خاص بود آن بزرگوار الى حال ، مورد عنايت خاصه خداوند است .

### اين صاحب شما است پس از من

روايت شده است كه جماعتى از ياران حضرت عسكرى عليه‌السلام از ابوغانم خادم روايت كرده اند كه گفت : امام عسكرى عليه‌السلام را فرزندى به دنيا آمد كه وى را محمد ناميدند، آن حضرت فرزندشان را در روز سوم به ياران خويش نماياندند و فرمودند.

اين صاحب شما پس از من است ، و خليفه من بر شما، او همان قائمى است كه به انتظار او گردن مى كشند و هنگامى كه زمين از جور و ظلم آكنده گردد و ظهور كرده آنرا از عدل و داد پر خواهد ساخت .(١٠٢ ) من بنده خدا هستم .

سؤ ال شد روزها چه كار مى كنيد: در پاسخ مى گويد: و ان اتلو القرآن (١٠٤) برادران يوسف به پدر گفتند، فردا يوسف را با ما به خارج شهر بفرست تا با ما غذاى كافى بخورد و تفريح كند.(١٠٦)

در اثر تحمل رنج و تعب و سختيهاى دشوار در تحصيل علم و دانش ، درجات بلند و مقامات رفيع به دست مى آيد و آسايش جاويد نصيب مى گردد.

بلى در راه كسب علم و دانش تعليم و تعلم كه نوعى عبادت است مقامات رفيع و آسايش و گشايش و فراخى آينده فرد و جامعه تضمين شده و سعادت و خوشبختى در پى دارد، در بيانى ديگر حضرت على عليه‌السلام فرمود: بالعلم يستقيم المعوج به علم راست مى گردد كجيها و ناهمواريها.

وجود نوابغ مشهور علم و عمل و محققان و مصنفان علوم و فنون در اين مكتب گوياى همين واقعيت است ، كه بيش از هر يك از اديان آسمانى و مكاتب عالم اسلام علماء و دانشمندان و محققان معروف و مشهور را در خود جاى داده و پرورده است . بلى همزمان با كتابت اين اوراق ، خبر موفقيت آميز آزمايش موشك شهاب ٣ ساخت ايران با برد ١٣٠٠ كيلومتر اعجاب و شگفت ملتها و همه دولتها، خاصه استكبار جهانى را برانگيخته است و همينطور المپيادها از دانش آموزان نمونه و ممتاز كشور ما و ساخت سلاحهاى مدرن روز، از تعب و تلاش و همت نوابغ پرتلاش و جوانان سلحشور كشور ما را نشان مى دهد. كه اين افتخار را براى ملت و مملكت ما، آفريداند و كشور و ملت ما را بيمه نموده و امنيت كشور امام زمان عليه‌السلام را در حال و آينده تضمين مى نمايد. بلى با تحمل رنج و تعب و تلاش مجدانه اين عزيزان ، دشمن قسم خورده از آمريكا و اسرائيل و دشمنان داخلى ما را ماءيوس نموده و آرزوهاى غلبه دشمن بر ملت ما را در گورستان تاريخ دفن خواهد نمود.

### پدرم ، حرمت مادرم كه پسرى براى تو آورده پاس دار

پاسدارى از حقوق مادر، كه پسرى زائيده ، و حقوقى برتر و بهتر از مادرى كه دختر آورده . پيامبر بزرگوار اسلام فرمود: حق الولد على والده اذا كان ذكرا ان يستفره امه و يستحسن اسمه و يعلمه كتاب الله و يطهره (١٠٨)

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرموده فرزند آدمى در هفت سال اول زندگى ، آقا و سيد و بزرگوارى پدر و مادر است ، در هفت سال دوم بنده فرمانبردار و مطيع پدر و مادر است و هفت سال سوم وزير پدر و مشاور خانواده است .

دوران كودكى ، نوجوانى و جوانى در سه هفت سال تقسيم مى گردد. سيادت و آقائى كودك نه به آن معنا است كه كودك داراى آقائى و بزرگوارى همچون يك پدر يا رئيس خانواده ، بلكه كودك همچنان بزرگوار است كه هيچ تكليفى بر او بار نيست ، و گناهى بر او مترتب نمى شود، هركارى بكند آزاد است كتك ندارد، توبيخ نمى كنند چنانكه او در اين سنين تحت تحسين و ترحيب قرار مى گيرد، ولى تحت تعقيب قرار نمى گيرد و عقوبت ندارد.

وقتى گفته مى شود كودك عبد است نه به معناى اين است كه مكلف به عبادت و اطاعت خدا شده بلكه به معناى اطاعت و فرمانبرى از والدين . و خاصه از مادر و پدر است ، چرا كه در هفت ساله دوم به حد تمييز و تشخيص رسيده و مى تواند صحيح و سالم فرمانبرى كند.

و وزير است ، قدرت تشخيص پيدا كرده ، گذشته از اينكه هر كارى و هر فرمان را صحيح و درست انجام مى دهد به عنوان مشاور و مذاكره كننده با والدين و مخصوصا عضد و بازو و پشتوانه پدر است .

چرا اين خصوصيات در سه مقطع سنى براى دختران ذكر نشده است ؟! تمامى اين سه دوره زندگى دختران با پسران تفاوت دارند. در هفت سال اول دختر ريحانه است . بيش از پسر بچه محبوبيت دارد، نوع بازى ، اسباب بازى و كيفيت كارهاى او با پسر بچه تفاوت فاحش دارد، و در دوره دوم پسر در كار و عمل فرمانبر است دختر قدرت كارگرى و فرمانبرى ندارد و كارهاى سخت و خشن نمى تواند انجام دهد. پسر در هفت ساله سوم عاقل و قابل مشاوره و وزير است اما دختر غالبا به خانه بخت رفته و همسر دارد و با زن از نظر عقلى ، مذاكره و مشاوره نهى شده اياكم و مشاورة النساء از دستورات اسلامى است كه از مشورت با زنان پرهيز نمائيد بنابراين خصوصيات پسر با دختر تفاوت دارد.

### با نفس مجاهده نمائيد تا به آينده درخشان راه يابيد

كودكان در اوان فهم و ادراك خويش اگر راه مبارزه و مجاهده با نفس در پيش ‍ گيرند به فضائل انسانى و تكامل و ترقى راه خواهند يافت .

از بيان مولى الموحدين على عليه‌السلام مى خوانيم من لم يجهد نفسه فى صغره لم ينبل فى كبره (١١٠)

رسول اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم مى فرمود: بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه را با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه در سن ده سالگى بايد از هم جدا شود.

سؤ ال - چرا از ده سالگى بستر خواب كودكان از هم جدا گردد و برادر با برادر و خواهر با خواهر از هم جدا بخوابند؟! دلائلى وجود دارد از جمله به علت اينكه هورمونهاى جنسى هر دو خاصه دختر زودتر از پسر بيدار مى گردد و علائم آن برآمدگيهاى سينه دختران است و در اثر فعاليت هورمونها در اين سن حساسيت مخصوصى در جميع اعضاء و جوارح بدن دختر مخصوصا در سينه ها به وجود مى آيد كه خوابيدن دو دختر يا دو خواهر در زير يك لحاف ايجاد تزاحم مى نمايد و با اصطكاك مواضع حساس بدن با يكديگر هورمونها بيدار و تحريك مى گردد و ممكن است در راه پاسخ به غرائز جنسى به فساد و تباهى اعمال گرفتار شوند. همينطور دو برادر و يا دو پسر بچه به علت امكان نعوض آلت مردى و اصطكاك باهم بايد از همديگر جدا بخوابند و در يك بستر و در زير يك رو انداز نزديك هم نخوابند و موجبات تحريك شهوت يكديگر نشوند.

در پسران نيز از ده سالگى صداى آنان كلفت مى گردد.

سؤ ال ديگر اينكه چرا در سنين ده سالگى دختر بالغه است و پسر غير بالغ ؟!! در پاسخ از نظر تكوين و اسرار خلقت خداوند چنين مقرر كرد كه دختر زودتر به بلوغ مى رسد و هورمونهاى بدن دختر، زودتر از پسر بيدار و شكوفا مى گردد، و اگر در همين سنين ده سالگى ريگل شود و حيض ببيند مى تواند فرزند بياورد، ولى پسر ديرتر به بلوغ مى رسد، و پس از احراز سن ١٦ سالگى و پس از احتلام قدرت بر توليد مثل دارد. و ديگر اينكه بلوغ دختر در ارضاع غرائز جنسى مردان و بالاخره هر دو در تكثير نسل و تسكين و آرامش افراد جامعه اعم از مردان و زنان و آرامش خاطر هر دو جنس مؤ ثر است و آيه شريفه قرآن گوياى اين واقعيت است و من آياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودة و رحمة ... از آيات و نشانه هاى قدرت ما براى شما اين است كه از نفس شما براى شما جفت و زوج آفريديم تا در بين شما سكونت خاطر به وجود آوريم و در بين شما مهر و مودت ايجاد كرديم .

پدرم بر تعليم و تربيت و ازدواجم كمك كن !

والدين محترم نبايد پس از دوران كودكى فرزند را رها كرده و سرنوشت آينده اش را ناديده انگارند، بلكه تعليم و تربيت و شغل و كار مناسب خاصه در ازدواج جوان او را كمك نمايند. دختر و پسر در سنين ازدواج و رشد نياز به ارشاد و راهنمائى و كمك در انتخاب همسر و مسئله ازدواج را دارند در اين امور مهم ازدواج چه كسى احق بر والدين در كمكهاى لازم براى پسران و دختران است و ايشان اين حق را از والدين مخصوصا از پدر دارند مرشد و راهنماى بشريت حضرت ختمى مرتبت از وظائف پدر نسبت به فرزند چنين مى فرمايد: من حق الولد على والده ثلاثة يحسن اسمه و يعلمه الكتابة ويزوجه اذا بلغ .(١١٢)

دوست ندارم جوانى را از شما مسلمانان ببينم مگر آنكه روز او به يكى از دو حالت آغاز شود. يا تحصيلكرده و عالم باشد يا دانشجو و متعلم ، اگر هيچيك از اين دو حالت در وى نباشد و با نادانى به سر برد در اداى وظيفه كوتاهى كرده است و مسامحه در اداى وظيفه تضييع حق جوانى است و تضييع و تضعيف نيروى جوانى به گناهكارى (و فساد) منجر مى شود و اگر مرتكب گناه شود به خداوندى كه پيغمبرش را به حق به نبوت فرستاده قسم است كه او در عذاب الهى مسكن خواهد گزيد.

### جوان ، در راه پيشبرد اهداف علمى و فرهنگى

جوش و خروش هر جوانى در راه به دست آوردن علوم و ازدياد دانش و فرهنگ جامعه روز و عصر زندگى خويش است ، و اين خواسته جامعه اى را مى طلبد كه در آن فقط عالم و متعلم باشد، و در جميع ابعاد جز اين تفكرى صحيح و معقول و مطلوب نيست . و اگر غير اين باشد همچون خار و خاشاكهاى روى سيلاب مى باشند.

حضرت على اميرالمؤ منين عليه‌السلام مى فرمايد: انما الناس عالم و متعلم و ما سواهما فهمج (١١٤) مردم سه گروهند، اول طبقه عالم و تحصيلكرده ، دوم گروه محصل و دانش پژوهان و سوم در جميع ابعاد، جز اين ، تفكرى صحيح و شغل و كارى معقول و مطلوب نيست .

### پژوهشگران علوم امروز، مشاهير و اعلام فردايند

حضرت امام زين العابدين عليه‌السلام به طالبان علم و دانش نظر مى افكند، آنان را به حضور مى طلبيد و به ايشان چنين مى گفت :

مرحبا بكم انتم ودائع العلم و يوشك اذا انتم صغار قوم ان تكونوا كبار آخرين (١١٦)

على عليه‌السلام فرمود: عذر نادانى جوان پذيرفته و مقبول است و دانش او در جوانى محدود و محصور مى باشد.

قوانين و آئين نامه هاى آموزشى بر همين معيار تصويب شده است ، كه تا سيكل و يا سوم راهنمائى دروس مختلف را دانش آموز بايد بياموزند. ولى از سيكل به بالا، رشته تخصصى انتخاب مى شود. كه ديگر رشته مثلا شيمى از فيزيك ، و رياضى از تجربه و ديگر رشته ها هيچ اطلاعى ندارند، چرا كه يك نوجوان استعداد و كشش بيش از اين ندارد و مغز عامه جوانان از انديشيدن در محور همه علوم و تخصصها ظرفيت بيش از اين ندارد، ولى قدرتمندى پاره اى از انسانها اعم از زن يا مرد فوق العاده است كه چندين رشته تخصص ‍ و علوم را فرا مى گيرند.

از فرصتهاى طلائى كه همانا دوران جوانى و عنفوان شباب است حدود هيجده تا بيست سالگى بايد اكثريت بهره ورى را نمود، در اين دوره از جوانى است كه پايه و اساس يك زندگى درخشان آينده پى ريزى مى گردد و سعادت و خوشبختى جوان با اعضاى خانواده اش تضمين مى شود. پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: ان لله ملكا ينزل فى كل ليلة فينادى يا ابناء العشرين جدوا و اجتهدوا(١١٨)

حضرت فرمود: اين آيه ملامت و سرزنش جوانان غافلى است كه به هيجده سالگى رسيده اند و از فرصت جوانى خود استفاده نمى كنند.

سنين هيجده سالگى شاخص هشدار دهنده اى است كه خاصه پسران را به ثمره شيرين يا تلخ حيات رسانده است . و كارنامه قبولى يا ردى زندگى آينده را به حد نصاب پيوسته و امضاء مى نمايد. يك برهه از زندگى سپرى شده و آمپر حيات ، اعلان خطر كرده است . و از اين پس توان رشد و ترقى كاسته مى شود پس بكوشيد تا به سن هيجده سالگى به كمال علمى ، عملى ، هنر، و صنعت راه يابيد كه تا در اين دوران از سنين عمر به حد نصاب رشد معنوى و مادى راه يابيد.

### جوان و مشكلات اقتصادى و اجتماعى روز

پيشرفت دانش و تكنيك ، كارها را آسان و راهها را نزديك و مشكلات فرهنگى را حل كرده است ، ولى هزينه هاى زندگى را هم سنگينى تر، و مشكل علم و دانش آموزى و بالاخره كار و مسكن را دشوارتر نموده است .

حضرت مولى الموحدين على عليه‌السلام فرمود: جهل الشباب معذور، و علمه محصور(١٢٠)

بهترين چيزها كه شايسته است جوانان بياموزند، چيزهائى است كه در بزرگسالى مورد نيازشان باشد و بتوانند در زندگى اجتماعى از آموخته هاى دوران جوانى خود استفاده نمايند.

حديث شريف كونوا من ابناء الزمان شايد از حضرت امير عليه‌السلام باشد كه آن بزرگوار در خطاب به رهروان مكتب و مذهب خويش ‍ مى فرمايد فرزند زمان خويش باشيد. بعضى با تعبيرات خويش بد استفاده مى كنند، اما معناى واقعى سخن امام اين است كه فرزند زمان باشيد يعنى شرايط روز و نيازهاى جامعه خويش را خود بدست آوريد و خواسته هاى مشروع روزتان را به دست غير نسپاريد.

### آموزشهاى مجدانه جوانى سعادت و خوشبختى آينده است

همزمان با مراجعت افتخار آفرينان المپياد رياضى نوجوانان كشور ما كه از كشور تايوان برگشتند و در بين بيش از ٧٠ كشور جهان ٥ مدال طلا و يك مدال نقره دريافت داشتند. بلى تحمل رنج و تعب تحصيل علم و دانش ، آينده را درخشان مى سازد و سيادت و سعادت دوران بزرگسالى و پيرى را تضمين مى نمايد.

حضرت على عليه‌السلام فرمود: تعلموا العلم صغارا تسودوا به كبارا(١٢٢).

كسى كه در كودكى تحصيل علم و دانش ننمايد در بزرگى و بزرگسالى پيشرفت و تقدم اجتماعى نخواهد داشت .

حقا كه دانش پژوهان علوم در راه پيشرفت و تكامل ، دانش لازم روز را كسب نمودند و براى ايران و ملت و مملكت خويش افتخار آفريدند، و اينها الآن جزء نوابغ كشورند و در آينده چراغهاى پرفروغ خانواده خويش و جامعه خواهند بود و شما جوانان انقلابى كشور سعى كنيد با ابتكارات و نوآوريهاى علمى و فرهنگى براى ملت و كشور خويش افتخار بيافرينيد و چشم و چراغ ملت باشيد. و در دوران بزرگسالى و پيرى سود برده و خانواده و ملت و مملكت خويش را سرافراز نمائيد.

### نقش تربيت در آئين دوست يابى

در آئين دوست يابى اسلام از طرف خاندان وحى ، دوستى و مصاحبت با ضالين و گمراهان را مورد نهى قرار داده است گرفته و شما جوانان سعى كنيد هرگز با چنين مردمى مصاحبت و دوستى براه نيندازيد.

حضرت على بن الحسين امام سجاد عليه‌السلام به بعضى از فرزندانش ‍ فرمود: يا بنى انظر خمسة فلا تصاحبهم و لا تحادثهم و لاترافقهم فى طريق . فقال يا ابت من هم ؟ قال عليه‌السلام اياك و مصاحبة الكذاب فانه بايعك باءكلة او اقل من ذلك و اياك و مصاحبة البخيل فانة يخذلك فى ماله احوج ما تكون اليه و اياك و مصاحبة الاحمق فانه يريد ان ينفعك فيضرك و اياك و مصاحبة القاطع الرحمه فانى وجدته ملعونا فى كتاب الله .(١٢٤)

دو نفر كه با هم رفاقت كنند آنكه نسبت به رفيقش با مداراتر است اجرش ‍ اعظم است و خداوند وى را بيشتر دوست مى دارد.

### برادرم ، جوان عزيز!

مداراى بيشتر با دوستانت موجبات محبوبيت و كرامت نفس تورا به پيشگاه خداوند مهربان فراهم مى سازد. بلى !! برادر دوستانى انتخاب كن كه - آنان را دوست بدارد و از دوستى با ضالين و گمراهان براى كسب رضاى خدا اجتناب كن و با دوستان خوب اگر مدارا كنى در اين صورت است كه خداوند دوستت مى دارد و لذا بكوش كه اين جايگاه عزتمند را به خود اختصاصى دهى . و محبوبيت از طرف ذات اقدس بارى تعالى را براى خود كسب كنى كه خدا دوستت بدارد نه شيطان و شيطان صفتان . از شياطين هميشه اجتناب كن و از ايشان دور باش .

### با گمراهان مصاحبت و دوستى مكن

در انتخاب دوست ، و اينكه چه كسى صلاحيت مصاحبت با شما را دارد حضرت على مى فرمايد: اياك و صحبة من الهاك و اغراك فانه يخذلك و يوبقك .(١٢٦)

جوانان بى همسر بدترين افراد امت من هستند.

در روايت آمده مردى به نام عكاف ، زن نمى گرفت ، روزى به محضر پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم شرفياب شد. حضرت پس از اينكه از امكانات مالى و سلامت جسمى او پرسشهائى كرد و او جواب مثبت داد در كمال صراحت فرمود: تزوج و الا فانت من المذنبين (١٢٨)

### جوانى شعبه اى از ديوانگى است و زنان دام شيطانند.

دوران جوانى ، دوران نبوغ فكرى و تبلور رشد، كمال و كرامت انسانى است ، هرگاه جوان اين نيروى خلاق و كار آمد جوانى را در مسير تعلم و آموزش و پرورش قرار ندهد. در وادى تحير و سرگردانى دو صد پا از جنون و ديوانگى فراتر خواهد رفت ، و در اين حالت هيچ تمايزى بين پسر و دختران نيست ، هر دو به نوعى گرفتارند، و اما اينكه چرا زنان دام شيطانند را بعد از جنون جوانى ذكر كرد؟ بايد گفت چه بسا جنون جوانى از عشق به زن و بر عكس ‍ به وجود مى آيد، و از همين راه دختر و پسر و زن و مرد گرفتار عشق و عاشقى مى گردند و مجنون وار يكديگر را تعقيب مى نمايند و مشكل بزرگ جوانان و مردان همين است كه در دوران جنون جوانى بتوانند از دام زنها رهائى يابند و زنان و دختران هم گرفتار عشق پسران و مردانند و اگر به سرنوشت صحيح زندگى مهر صحت وسلامت و ديانت بزنند و از دام حيله و مكر زنان بى بندو بار بدر آيند. در حقيقت جنون جوانى گرفتارى در دام پر مكر و حيله زنان است . اى جوان ، آب ندامت و توبه به آتش گناهان و غفلتهاى گذشته بپاش ، و از چنگال جنون جوانى و نادانى بدرآ و بگريز و به وادى عقل و درايت و كمال و رشد علمى و عملى وارد شو كه سعادت و خوشبختى خود را تضمين خواهى كرد.

### تربيتهاى ضد فضيلت و ضد انسانيت !

انسان در تاريخ دستخوش تحولات و تغييرات فاحش قرار دارد، بيشترين اهداف شوم استعمارگران و استثمارگران در جوامع بشرى روى جوانان اعم از دختر و پسر سرمايه گذارى مى شود.

آريستوم حاكم جابر گوم سعى مى كرد كه رشادت جوانان را كم كند و تبديل به خفت و خوارى نمايد، او دستور مى داد كه نوجوانان مانند دوشيزگان بايستى زلفهايشان را بگذارند دراز شود و موهايشان را با گلها آرايش كنند و پيراهنهاى رنگارنگ كه تا پاشنه پاى آنها بيايد بر تن نمايند، وقتى نزد معلم رقص و موسيقى مى روند، زنها بر ايشان چتر و باد بزن و عطر ببرند و در گرمابه به آنها شانه و آئينه بدهند اين طرز پرورش تا بيست سالگى ادامه داشت .(١٣٠)

پيغمبر اكرم فرمود: محبوبتر از هر چيز نزد خداوند جوانى است كه از گناه توبه كند و از پيشگاه الهى طلب آمرزش مى نمايد.

### چرا جوان تائب به پيشگاه خداوند محبوب است ؟

چشم پوشى از همه لذائذ و زيبائيها، و نقد موجود را رها كردن و لذائذ مادى جلوه هاى زرق و برق حيات را پشت سر افكندن و آخرت ناديده و نسيه را نگريستن ، و به خدا و دين و دل به پيامبران باختن ، كار حضرت فيل است لذا جوان تائب محبوبترين انسانها به پيشگاه حضرت احديت است .

### جوان و بازگشت او به اصالت و فطرت اسلامى خويش

توبه در جوانى بازگشت به خدا و فطرت پاك اسلامى خويش است ، و احراز و به دست آوردن اين خصيصه در جوانى گرامى تر و پرارزشتر است .

پيامبر گرامى اسلام فرمود: التوبة حسنة لكنه فى الشباب اءحسن (١٣٢) محبوبتر از هر چيز نزد خداوند جوانى است كه از گناه توبه كند و از پيشگاه الهى طلب آمرزش نمايد.

در جوانى پاك زيستن با همه توان گناه ، و چشم از همه تلذذ، و تكيف حرام پوشيدن هنر است ، همت و مقاومت خدا پسندانه است . پاك زيستى ، و از سلامت نفس و عمل شايسته برخوردار بودن نشان سعادت و احراز انسانيت كامل و نيكبختى تام و تمام است ، و اختيار هم با شما است ، كه تا چه راهى را برگزينى ، و خجالت چه كسى را داشته باشى ، خدا؟! يا شيطان ؟!!! انتخاب با تو است .

### در بوستان قلبت بذر گلهاى محمدى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بيفشان

دلهاى نوجوانان همانند زمين مساعد و هموار خالى از هر نوع گل و گياه و خار و علفهاى هرزه است كه هر بذر گل و خارى در آن بپاشى مى پذيرد. امام على عليه‌السلام فرمود: و انما قلب الحدث كالارض الخالية ما القى فيها من شى ء قبلته .(١٣٤)

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود: همان طور كه فرزند عاق پدر و مادر مى شود پدر و مار نيز عاق فرزند شايسته مى شوند.

پدر و مادر وظيفه شناس و غير متعهد كه حقا در حقوق فرزند خويش ‍ خيانت مى نمايند و از هر جهت مانع رشد و تكامل مادى و معنوى فرزند خود مى شوند سزاوار است كه فرزندان شايسته و صالح والدين بى فضيلت و بى ايمان را تحت عاق خويش قرار مى دهند.

### معلم و كارهاى ارزشى او

ارزش هاى وجودى انبياء در كار تعليم و تربيت و پرورش انسانها است ، پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود انما بعثت معلما من براى تعليم و تربيت مبعوث شده ام ، معلمى كار انبياء است و معلم شغل و كار پيامبران را به عهده گرفته است . و كار تربيتى معلم چنانچه پيامبر خاتم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرمود. برات آزادى از آتش جهنم را در بردارد، هر چند كه مستوجب آتش بود چرا كه معلم شايسته در ديوان محاسبات الهى معاف است . پيامبر بزرگوار اسلام مى فرمايد: من ربى صغيرا حتى يقول لااله الا الله لم يحاسبه الله (١٣٦)

سوگند به قلم و به آنچه كه مى آموزد: و اين نيز از عظمت اسلام و پيش رفت مسلمين است كه مروج علم و دانش بشر شده است . در كتاب قرآن و روانشناسى مى خوانيم :

خداوند به قلم سوگند ياد كرده است . و اين خود نشان دهنده ارزش والاى قلم و كتابت است ، و اشاره به اين است كه قلم و نوشتن در كار آموزش و فراگيرى دانش تاءثير تعين كننده اى دارد.

ن والقلم و ما يسطرون .(١٣٨)

بهترين مطالبى كه شايسته است جوانان بياموزند چيزهايى است كه در بزرگسالى مورد نيازشان باشد بتوانند در زندگى اجتماعى از آموخته هاى دوران جوانى استفاده نمايند.

بنابراين معلمم با علوم و دانش و فنونى كه براى من انتخاب مى نمائيد نياز خود و جامعه اسلامى و آينده مرا در نظر بگيريد و مرا براى زمانهائى دور و دراز مدت مترقى و متمدن بسازيد و از علوم و دانش مفيد و مؤ ثر بمن بياموزيد كه بتواند جامعه و آينده ام را درخشان سازد.

### معلمم ، فطرت آگاهم را شكوفا كن

در شكوفا ساختن فطرت دينى و عقيدتى كودك ، مدرسه و معلم چه نقشى دارند؟

قوانين زندگى براى آنكه كامل باشند بايد به صورت فطرى در آيند. كسيكه در آغاز زندگى به شناخت خوبى و بدى عادت كرده ، در تمام عمر انتخاب خوبى و بدى عادت كرده ، در تمام عمر انتخاب خوبى و پرهيز از بدى ها براى او آسان خواهد بود، انسان همانطور كه از آتش مى ترسد از بدى ها نيز بايد بهراسد. آتش گناه هم سوزاننده است و هم رسوا كننده . پس مبادا به آتش گناه سوخته و رسوا شويد. عهد شكنى و دروغگوئى و خيانت بنظر نه تنها اعمالى ممنوع مى باشد، بلكه غير ممكن مى نمايد براى بسط و گسترش ‍ اين واكنشها در فرد، محيطى ضرورى است كه در آن اصول اخلاقى بطور دائم مورد توجه باشد.

فقط وجود الگو و سرنوشت درست است كه مقررات زندگى را به ذهن ياد آورى مى كند. نويسنده معتقد است كه تمايلات غريزى انسان به سوى بديها متمايل تر و بيشتر است تابه خوبيها، و مى گويد: در انسان نيز همانند بعضى از حيوانات تمايل غريزى به تقليد وجود دارد. ولى بديها را خيلى آسانتر از خوبيها تقليد مى كنند، كودك طرز فكر و عمل افرادى را كه مى شناسد و يا مى شنود و مى خواند و فرا مى گيرد؛ رفقا، استادان ، پدر و مادر، و به خصوص ستاره هاى سينما و شخصيتهاى حقيقى و يا فرضى را كه در روزنامه ها و مجلات مى خواند سر مشق خود قرار مى دهد، به قول فلتون در اين سراشيب تقليد كودكان ، اگر آنان را به دست افراد بى فضيلتى بسپارند معايب بي حدى به بار خواهد آورد فقط كسانى مربى خوبى هستند كه به آنچه ميگويند معتقد باشند و عمل كنند.

### معلمم ، تو را مى ستايم

كلام درر بار مولى الموحدين على بن ابيطالب عليه‌السلام كه در ارزش ‍ وجود معلم فرموده است :

من علمنى حرفا قد صيرنى عبدا

كسى كه يك حرف به من بياموزد مرا عبد خويش كرده است .

ارزش وجود يك معلم خداشناس كه درس خداشناسى و آموزش صحيح و درست براى دانش آموز و دانشجود دارد، و او را به صراط مستقيم دين و شريعت هدايت مينمايد به دانش و علوم و فنون راهنمائى ميكند ارزش ‍ معنوى اش چه بسا بيش از اين باشد.

پس آقاى معلم ، قدر خويش بدان ، اگر قدر دانش آموزانت را شناختى و متعلمينت حقشان را ادا نمودى . در اينصورت تو كار انبياء و سفيران الهى كردى و بر دانش جويانت سزاست كه تو را تا حد پرستش ، حرمت نهند و دوستت بدارند.

### معلمم به ارزشهاى علمى و عمليم بيفزا

جوان با كسب علم و دانش مفيد، به ارزشهاى معنوى و مادى خود بيفزا و بدان كه در اين زمينه بيشترين ترويج و توصيه و تبليغ علم و دانش آموزى را اسلام داشته است . در كتاب ، قرآن و روانشناسى مى خوانيم :

يكى ديگر از بهترين دلائلى كه نشان مى دهد قرآن دانش و دانشمندان را گرامى داشته اينست كه در مسئله اقرار به يگانگى و عدالت و قدرت و حكمت خدا، دانشمندان را پس از فرشتگان ذكر مى كند:

شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولو العلم قائما بالقسط لا اله الا الله هو العزيز الحكيم .(١٤١)

بهترين ارثى كه پدران براى فرزندان خود باقى ميگذارند ادب و تربيت صحيح است نه ثروت و نه مال و حطب . پس شايسته است والدين بهترين اخلاق اسلامى را پيروى كنند تا اين نعمت برتر الهى در بين ابناء بوراثت تقسيم گردد و بهترين مدرسه و معلم را براى تربيت و تزكيه نفس ايشان بكار گيرند، و از فرزندانشان نوابغ عالم بپرورانند و اين در امكانات تربيتى هر پدرى و هر معلمى موجود و قابل اجرا است .

### معلمم ، قلبم به نور حكمت منور كن

از پندهاى حكيمانه پدرى بزرگوار، معلمى بى نظير چون اميرالمؤ منين عليه‌السلام بر فرزندى همچون امام حسن مجتبى عليه‌السلام چنين مى خوانيم : يا بنى اوصيك بتقوى الله و لزوم امره و عمارة قلبك بذكره و... و نوره بالحكمة ...(١٤٣) فرزندم با نشان دادن فجائع دنيا قلبت را بصير و بيناگردان : و از صولت و شوكت و تظاهر به دنيا و پيروان آن بر حذرش دار و تقواى الهى و التزام به اطاعت از او امر و نواهى خداوند وادارش كن و تهذيب نفس و اصلاح قلب از كليه شوائب و ناخالصيها پاك ساز و تنوير افكار و تعلم حكمت و بينش اسلامى كار هر جوان متعهد و مسئول است ، و اجتناب از فجائع و زشتيهاى براى هر جوان روشنفكر و تحصيل كرده مى تواند يك درس باشد و خدمتگزار خويش و جامعه مترقى كار بزرگ تربيتى است كه پدر بزرگوار امت امير مؤ منان عليه‌السلام همه ما را متنبه و متوجه خويش ساخت .

### معلم عزيزم از علم مفيد و نافع برخوردارم كن

حضرت امير در درسهاى تربيتى به فرزندش حضرت حسن مجتبى عليه‌السلام چنين توصيه مى فرمايد، فرزندم ... و تفهم وصيتى ولا تذهبن عنك صفحا فان خير القول مان نفع واعلم انه لا خير فى علم لاينفع و لا ينتفع بعلم لايحق تعلمه .(١٤٥) علم و دانش ، اخلاق و اوصاف شايسته با كمك معلمى متعهد و انسانى وارسته به دست مى آيد، قرآن ، درجات رفيع عالمان دين را مرهون معلمان متعهد و متخصص مى داند و اندوخته هاى علمى متعلم را در گرو خدمات علمى و عملى معلمان به حساب مى آورد.

جوانان !! نونهالان !! عمرتان دراز و عزتتان بر قرار!! در ظل توجهات قرآن و اسلام و اهلبيت عليه‌السلام خود را بسازيد، و در راه رشد و تكامل مادى و معنوى خويش كوشش كنيد، و عزت و شوكت دينى و ايمانى خود را بدست آوريد، و در المپيادها بر همه جوانان عالم سر آمد و سرافراز باشيد.

### معلمم ! از نادانيهاى من كاسته و بدانشم بيفزا

معلم بزرگ و الگو و نمونه عالم بشريت على عليه‌السلام به فرزندش چنين مى آموزد....فان اشكل عليك شى ء من ذالك فاحمله على جهالتك به و انك اول ما خلقت جاهلا ثم علمت و ما اكثر ما تجهل من الامر و يتحير فيه راءيك و يضل فيه بصرك ثم تبصره بعد ذالك ...(١٤٧)

پس روى خود را متوجه آئين خالص پروردگار كن ، اين فطرتى است كه خداوند انسانها را بر آن آفريده ، دگرگونى در آفرينش الهى نيست ، اين است آئين استوار حق ولكن اكثر مردم از اين حقيقت آگاه نيستند.

در فطرت يعنى در سرشت انسان نوعى استعداد فطرى وجود دارد كه ميتواند شگفتيهاى مخلوقات خدا را درك كند و بروجود و يگانگى خدا استدلال كند بنابراين وجدان بيدار، و فطرت آگاه جوان را معلم ميتواند شكوفا سازد و به او تعهدى شايسته ببخشد.(١٤٩)

### جوان و آزادى عمل

حريت و آزادى نعمتى بزرگ است و خداوند بندگانش را آزاد و حر آفريده است ، ولى آزادگان به گونه اى كه مزاحم آزادگان ديگران باشد و موجبات ايذاء و اذيت جامعه را فراهم نمايد نه تنها نيكو و شايسته نيست . بلكه به شدت محكوم است ، و نوع آزادى كه اغلب و قريب به اتفاق نسل جوان امروزى مى طلبند در ايذاء و اذيت محدوديت و محروميت غير و تضييع حقوق ديگران را فراهم مى نمايد. آزادى يك معنا و مفهوم خاصى دارد به طوريكه در اثر وجود آزادى ، هيچگونه محدوديت و ظلم و ستم در ابعاد مختلف براى هيچ احدى بوجود نيابد. روانشناش معروف ژان پل سارتر ميگويد:

نسل جوان امروز دست و پا مى زند كه آزادى را به دست آورد، اما كوشش ‍ بي فايده است ، اين نسل جوان است كه در يك تمدن سرسام آورى به دنيا آمده و اين تمدن همچون حيوان افسار گسيخته است كه به شدت با تمدن اسلامى صريحا مخالف است و نمى تواند با واقعيت زندگى انسانى و اسلامى هماهنگ و همراه باشد، آزاديهاى مطلق كه امروز مقيد به هيچ ضوابطى نيست - و تقليد كور شعارشان هرگز نمى تواند يك جوان متمدن را سعادتمند و موفق بسازد و چه بسا به مال و آرزوهاى نفسانى خويش هم نميرسند - و در حقيقت اين آزادى نمى تواند خواسته هاى جوانان را برآورده نموده و اشباعشان كند. (آندره آيد)، دانشمند روانشناس در اين زمينه مى گويد:

خانواده من از تو نفرت دارد، آن جوانان موجوداتى نفرين شده و دور از اجتماع اند با مردم خويشى دارند، (ولى از آنان به دورند حالت انزوا و گوشه نشينى اختيار مى كنند، ميز خود را مى شناسند، و چون بزرگ شدند و تكامل يافتند با حالتى افسرده و نااميد دست به خودكشى ميزنند، يعنى پايان و تكامل زندگى اين چنين متمدنين دست به انواع اعتياد و يا عشقهاى باطل و نادرست و عاقبت كار ايشان خودكشى است .

(ژان پل سارتر روانشناس معروف) آخرين پناهنگاه جوانان آزاده را خودكشى مى داند، يعنى آزاديهاى مطلق العنان كه دست به هر جنايتى ميزنند، و نمى توانند اشباع گردند. او مى گويد:

پس جوانان به كى پناه ببرند، و اگر خودكشى نباشد سرگرميها و شب زنده داريها، افراط در ميگسارى و در امور جنسى ، خارج شدن از محيط گرم زندگى و پناه به بيغوله ها خرابه ها خودداررى از اطاعت به مقررات اجتماع كه نمونه آن بيتل ها (پانكيها و غيره را تهديد مى كند) و براى نسل جوان امروزى است كه يك نوعى خودكشى تدريجى و انحطاط مسلم به شمار مى آيد.

بنابراين پل سارتر، نسل جوان زمان ما زندگى خويش را تجاوزگر از قانون و سركش و طغيانگر معرفى مى كند. و نتيجه آزادى و آزادى خواهى را خطرناك تر مى شناسد و مى گويد:

جوان امروز تجاوز از قانون ، و سركشيها و طغيان را براى خود سنت ميداند، و اين وضع در كشورهاى پرجمعيت به مراتب خطرناكتر است چرا جوان سربه راه نيست ؟! چرا جوان به ازدواج قانونى تن در نمى دهد؟ چرا از مضرات افسار گسيختگى و عصيان و طغيان متنبه نمى گردد؟!

زيرا جوانان براى خود تصوراتى دارند كه بنا به اعتقادشان زندگى براى آنها عادى است و اگر غير از اين باشد به هيچ عنوان از دنياى بهتر ديگر استقبال نمى كنند، آنگاه ژان پل سارتر مى گويد: شايد اين اخلاق فطرى از شرائط انسانى است و در دنياى امروز نسلى سرسام آورتر از تمدن جديد، او را باين مرحله مى كشاند...(١٥١)

بنابراين ارسطو معلم اول و فارابى معلم ثانى شهره آفاق شدند.

### اخلاق و چگونه زيستن فارابى

علماء و دانشمندان بزرگ با اخلاق و روش خاص ويژه خود مى زيستند، اغلب با زندگى خاص و زاهدانه همراه با قناعت و اقتصاد موجبات رشد علمى و تكامل معنوى خود را فراهم كردند. در شرح حال ابونصر فارابى معلم ثانى چنين نوشته اند:

ابونصر از جنبه اخلاقى هم از اغلب فلاسفه برتر بوده و بر قناعت روزگار مى گذراند، به خلوت و تنهائى انس بسيار داشت و اغلب در كنار رودخانه به سر مى برده و به اندك موجود قانع بود چنانكه مى گويند: از سيف الدوله هر روز چهار درهم بيشتر نمى گرفت و ما بقى آنچه به دست مى آورد به فقراء انفاق مى كرد.

ابونصر به تجمل اعتنا نمى كرد و سعادت و عظمت فيلسوف را در ترك دنيا مى ديد و علائق بسيار به گوشه نشينى داشت .

ابونصر فارابى با اينكه در مسائل اخلاقى به ارسطو معتقد بوده عملا تابع افلاطون بوده ، و سعادت نفس را در تجرد و ترك علائق مادى مى دانسته و گوشه نشينى را به شدت دوست مى داشته است چنانكه در يكى از تصويرات و تاءليفات خود كه شرائط متعلمان فلسفه را ذكر مى كند گفته است :

### جوان و نعمت سلامت جسم و روان

كسى كه به تحصيل حكمت مى پردازد بايد جوان و تندرست باشد، آداب آموزش و پرورش اعلام و نيكان و اختيار را از دست ندهد علوم شرع و قرآن و لغت را پيش از آن آموخته باشد، عفيف و راستگو باشد غدار و خائن نباشد، به گرمى بازار خود با حيله و مكر نپردازد.

و در ادامه ، در زمينه ايجاد مدينه فاضله ، و اطاعت از خدا و اجراى اعمال شرعى و اركان شريعت غافل نگردد.

مصالح زندگانى را فراهم كرده ، وظائف شرعى را انجام دهد، و هيچيك از آداب و اركان شريعت را ترك نگويد، علم و علماء را بزرگ شمارد، و جز علم و علماء را بزرگ نشمارد، و فلسفه را حرفه نكند هر كه به خلاف اين صفات باشد حكيم دروغى است .

ابونصر نتيجه علم و مقدمه سعادت را اخلاق مى دانسته و براى عالمى كه اخلاق نداشته باشد هيچ گونه كمال و بزرگى قائل نبوده است .

ابونصر در يكى از كتب خود مى گويد: تمامى سعادت به مكارم اخلاق است ، چنانكه متمم درخت ، ميوه است .

هر كه علمش وسيله تهذيب اخلاق او شده خوشبخت است .(١٥٣)، معلوم مى شود كه تنها دانش محض را فضيلت نمى داند، بلكه چهار قسم آن دانش ، تواءم با عمل است ، و يك قسم آن ، دانش محض است ، و خلاصه نظر سقراط اين است كه فضيلت در نيكوكارى است .

### علوم الهى و مابعد الطبيعه

توجه جوان مسلمان به تعلم علوم الهى و بويژه علوم مابعد الطبيعه جزء فطرت و جبلت اوست و علوم اديان و ابدان در نزد او از اهميت فوق العاده اى برخوردار است ممكن است در سطح دانشگاههاى اسلامى مسئله متافزيك و مابعدالطبيعه مطرح نباشد و يا بسيار كم مورد بحث و بررسى قرار گيرد، اما از زبان فارابى معلم ثانى چنين مى خوانيم : در كتاب احصاء العلوم اهميت علم الهى و مابعد الطبيعه را متذكر شده و آنرا جزء علوم مى شمارد، و مى گويد: علم طبيعى (فيزيك) است ، و علوم طبيعى در مورد اجسام طبيعى يا مصنوعى بحث مى كند، و فرق ميان علتهاى نمائى و فاعلى اجسام و ماده و صورت ، آنها را مشخص مى نمايد و پيرامون عرضها، جسم ومراتب اجسام طبيعى بسيط و مركب سخن مى گويد (لكن علوم الهى و متافيزيك از نظر فارابى داراى تاءثير و تاثر بيشترى است).

فارابى پس از تقسيم علم طبيعى به هشت قسمت بر اساس كتابهاى ارسطو به تعريف علم الهى و متافيزيك مى پردازد و اشاره مى كند كه در اين تعريف از كتاب مابعد الطبيعه ارسطو پيروى كرده است ، و او علم الهى را به سه بخش تقسيم مى نمايد.

١- بخشى كه در آن از موجودات و چيزهائى كه عارض هر موجود مى شود بحث مى نمايد:

٢- بخشى كه در آن از مبادى برهانى در علوم بحث مى نمايد.

### معلم اول ارسطو

آيا مى دانيد مفسر و معلم كتاب ماوراء الطبيعه ارسطو كيست ؟!

ابو نصر فارابى توان تفسير و تشريح ماوراء الطبيعه را به دست آورده است و از اين جهت به معلم ثانى لقب گرفت ، با اينكه بوعلى سينا توان فهم كتاب ماوراء الطبيعه ارسطو را نداشت ، كتاب فوق العاده مهم و بزرگ ماوراء الطبيعه ارسطو را معلم ثانى يعنى فارابى تفسير و تبيين و تفهيم كرد.

شيخ الرئيس در كتاب الاضحويه خويش مى گويد:

كتاب ماوراء الطبيعه ارسطو را چهل بار خواندم ، و همه عباراتش را از برشدم ، اما معانى آنها دستگيرم نشد، و مقصود نويسنده را در نيافتم ، نااميدى دامنم را گرفت با خود گفتم ، پسينگاه روزى به بازار و راقان روم ، با دلالى روبرو شدم كه كتابى در دست داشت ، و براى فروش آن جار مى زده و به من رسيد، از من خواست تا آن كتاب را بخرم ، چون فكر كردم از جمله كتابهاى بى ارزش است با بى ميلى از خريد آن چشم پوشيدم ، دلال گفت چون صاحبش به پول نياز دارد آنرا به سه درهم مى فروشم اين سخن در من اثر كرد، و كتاب را خريدم ، پس از بررسى دريافتم كه شرح ابونصر فارابى بر كتاب مابعد الطبيعه ارسطو است ، به خانه بازگشتم با شتاب به مطالعه آن پرداختم به زودى معانى سخن ارسطو برايم روشن شد، زيرا همه عبارت آنرا چون بسيار خوانده بودم از برداشتم بى اندازه شادمان شدم روز بعد به شكرانه اين پيروزى مال فراوان به تهيدستان بخشيدم .

بوعلى سينا مى افزايد: پيوسته براين شيوه دانش اند و ختم تا همه دانشها را نيك بياند و ختم و هرچه از آن هنگام برايم روشن شده همان است كه اكنون مى دانم ، و از آن پس چيزى بر آن ها نيفزودم .(١٥٥)

جوان ، شايد، تو نيز چيزى از استعداد و قواى هوش و ذكاوت بوعلى سينا كمتر نداشته باشى آگاه باش كه تلاش و كوششهاى مجدانه است ، تورا به مقامات والاى بو على ، و بوعلى سيناها مى رساند، و تو نيز همچون فارابى و ارسطو خواهى درخشيد.

لذا كار و تلاش كن ، از بازى هاى بى ارزش و بى فايده به كلى پرهيز كن تا شيخ الرئيس بوعلى سيناى زمان بشوى .

خداوند توفيق تربيت صحيح و شايسته فرزندانمان را به ما عنايت فرمايد و ايشان را خلف صالح ما قرار دهد و چراغ پرفروغ ولايت و محبت اهلبيت پيامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم را با دست ايشان در خانه و كاشانه ما روشن نگهدارد. در اينجا با ذكر دعايى مخلصانه از حضرت سجاد عليه‌السلام، كتاب را به پايان مى بريم : الهم و من على ببقاء ولدى وباصلاحهم لى و بامتاعى بهم . الهى امدد لى فى اعمارهم و زد لى فى آجالهم و رب لى صغيرهم و قولى ضعيفهم و اصح لى ابدانهم و اديانهم و اخلاقهم ....

آمين يا رب العالمين

موفق باشيد

سيد حسين موسوى راد لاهيجى

حوزه علميه قم

۱- غرر الحكم ، ص ۲۹۳.

۲- الشمس ى ۱۰ - ۹

۳- التحريم ، ى ۶.

۴- التحريم ، ى ۶.

۵- غرر الحكم ص ۲۳۹.

۶- سوره نور، آيه ۳۳.

۷- س نور،ى ۲۶.

۸- فروع كافى ج ۵، ص ۳۶۸.

۹- فروع كافى ج ۵، ص ۳۶۸

۱۰- راه زندگى ص ۹۱.

۱۱- لئالى الاخبار ص ۲۶۷.

۱۲- التكليف النفسى ، ص ۱۶۵.

۱۳- نهج البلاغه فيض الاسلام ص ۹۷۵.

۱۴- بحار، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

۱۵- بحار، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

۱۶- بررسى و نقد افكار راسل ، ص ۱۵۹.

۱۷- المعجم الوسيط ص ۱۰۲۴.

۱۸- تتمة المنتهى ، ص ۱۷.

۱۹- تاريخ علوم ، ص ۷۰۷.

۲۰- المستطرف ج ۲، ص ۲۱۸.

۲۱- غررالحكم ، ص ۳۷۹.

۲۲- آيات بينات علامه محقق الحاج شيخ محمد تقى تسترى ص ۱۹۵.

۲۳- س نوح ، ۲۷.

۲۴- س مريم ۱۹، آيه ۳۳.

۲۵- سوره مريم ، ى ۱۵.

۲۶- آل عمران ، ى ۳۸.

۲۷- تفسير الميزان جلد ۳، ص ۲۷۴.

۲۸- راه زندگى ص ۱۵۶.

۲۹- بحار جلد ۱۴، ص ۳۹۷.

۳۰- انسان موجود ناشناخته ، الكسيس كارل ، ترجمه ذبيح الله منصورى ، ص ۲۵۳.

۳۱- انسان موجود ناشناخته ، الكسيس كارل ، ترجمه ذبيح الله منصورى ، ص ۲۵۳.

۳۲- مستدرك الوسائل ، ج ۲، ص ۶۳۱.

۳۳- ج ۳، بحار ص ۴۴.

۳۴- مجموعه ورام جلد۱، ص ۶.

۳۵- ابراهيم صفايى .

۳۶- سفينة البحار ص ۳۶۹ جلد ۲.

۳۷- معانى الاخبار، ص ۳۴۵.

۳۸- نهج البلاغه ، ملا فتح الله ، ص ۱۴۹

۳۹- گفتار فلسفى ، ج ۱، ص ۹.

۴۰- غرر الحكم ص ۶۵۰.

۴۱- مستدرك ج ۳، ص ۲۲۳.

۴۲- سوره ۸، ى ۲۵.

۴۳- اقتباس از كتاب شفا خوراك درمانى تاءليف دكتر رحجان ص ۳۱۴.

۴۴- مجله اخبار هفته .

۴۵- اعجاز خوراكيها ص ۱۷۵.

۴۶- اعجاز خوراكيهاص ۱۷۵.

۴۷- مكارم الاخلاق ص ۸۸.

۴۸- اعجاز خوراكيها، ص ۱۵۳ - ۱۵۴.

۴۹- اعجاز خوراكيها، ص ۱۷۵.

۵۰- اعجاز خوراكيها، ص ۱۷۵.

۵۱- سفينة البحار ج ۲، ص ۸۴ ماده طعم .

۵۲- مستدرك الوسايل ج ۳، ص ۷۱.

۵۳- بحار، ج ۱۴، ص ۷۷۱.

۵۴- بحار، ج ۱۴، ص ۷۷۲.

۵۵- مكارم الاخلاق ص ۸۸.

۵۶- مكارم الاخلاق ص ۸۸.

۵۷- قانون ، بوعلى سينا، ج ، ص ۲۴۶.

۵۸- المعجم المفهرس لالفاظ غرر الحكم جلد ۳، ص ۳۱۷۲.

۵۹- اقتباس از كتاب عقده حقارت ، ص ۱۲.

۶۰- تتمة المنتهى ، ص ۳۷۰.

۶۱- فهرست غررالكم ص ۱۴.

۶۲- فهرست غررالكم ص ۱۴.

۶۳- غرر الحكم و دررالحكمص ۴۲۲۸.

۶۴- مكارم الاخلاق ص ۹۰.

۶۵- وسائل الشيعه ، ج ۵، ص ۱۱۵.

۶۶- وسائل ج ۵، ص ۱۱۵.

۶۷- بحارج ۲۳، ص ۱۲۲.

۶۸- وسائل الشيعه ، ج ۷، ص ۱۲۳.

۶۹- ثمرات الاوراق ، ص ۵۹.

۷۰- بحار الانوار ج ۴۳، ص ۲۳۸.

۷۱- سفينة البحار، ج ۱، ص ۶۶۴.

۷۲- سفينة البحار، ج ۱، ص ۶۶۲.

۷۳- سفينة البحار، ج ۱، ص ۶۶۲.

۷۴- سفينة البحار، ج ۱، ص ۶۶۲.

۷۵- سفينة البحار، ج ۱، ص ۶۶۲.

۷۶- بقره ، ى ۲۳۳.

۷۷- وسائل الشيعه ، ج ۱۵، ص ۱۷۷.

۷۸- زيارت امام حسين در روز عرفه مفاتيح الجنان ص ۶۰۲.

۷۹- غررالحكم ص ۳۴۱، فصل بيستم .

۸۰- تفسير الميزان ، ج ۲، ص ۳۶۲ طبع جامعه مدرسين .

۸۱- عيون اخبار الرضا عليه‌السلام، ج ۲، ص ۳۵.

۸۲- وسائل الشيعه ، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۸۳- وسائل الشيعه ، ۱۵، ص ۱۷۵.

۸۴- وسائل الشيعه ، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۸۵- مكارم الاخلاق ، ج ۱، ص ۲۷۰.

۸۶- ناصبيه به كسانيكه سب و ناسزا به حضرت على (ع) مى گويند.

۸۷- وسائل الشيعه ، ج ۱۵، ص ۱۸۸.

۸۸- وسائل الشيعه ، ج ۱۵، ص ۱۸۹.

۸۹- وسائل الشيعه ، ج ۱۵، ص ۱۸۹.

۹۰- روضات الجنات ، ج ، ص .

۹۱- قانون ، بوعلى سينا، ج ۱، ص ۲۵۳.

۹۲- غررالحكم ص ۳۳۷.

۹۳- وسائل ج ۵، ص ۱۲۶ چاپ قديم .

۹۴- مكارم الاخلاق ص ۲۱۹، فروع كافى ج ۶، ص ۴، بحار ج ۱۰۱، ص ۹۲.

۹۵- رساله حقوق امام سجاد عليه‌السلام .

۹۶- جامع الصغير - كتاب وافى باب الولادات به نقل از حقوق زن در اسلام و جهان ص ۵۴.

۹۷- راه و روش تربيت از ديدگاه امام على عليه‌السلام، تاءليف على محمد حسينى اديب ترجمه دكتر رادمنش .

۹۸- وسائل الشيعه ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۹۹- نهج البلاغه فيض الاسلام ص ۴۵ خطبه دوم .

۱۰۰- انسان موجود ناشناخته ، الكسيس كارل ، ص ۳۰۴

۱۰۱- كمال الدين ج ۲، ص ۴۳۰- غيبت شيخ طوسى ص ۱۳۹ نقل از كتاب امام مهدى عج ص ۲۵۲.

۱۰۲- سوره مريم ى ۳۰.

۱۰۳- سوره نمل ى ۹۲.

۱۰۴- سوره يوسف ى ۱۲.

۱۰۵- الامام مهدى من المهدالى الظهور ص ۲۵۳.

۱۰۶- شرح غرر الحكم و درر الكلم آمدى ش ۴۳۴۵- ش ۴۲۳۴

۱۰۷- كافى جلد ۶ صفحه ۴۹.

۱۰۸- مكارم الاخلاق صفحه ۱۱۵.

۱۰۹- غرر الحكم صفحه ۶۴۵.

۱۱۰- وسايل ج ۵ صفحه ۲۸.

۱۱۱- وسائل ج ۵ طبع قديم ص ۱۱۵.

۱۱۲- بحار ج ۱ قديم ص ۵۵.

۱۱۳- فهرست غررالحكم ص ۲۶۷.

۱۱۴- كافى ج ۱ ص ۳۴.

۱۱۵- بلاغة على بن الحسين صفحه ۹۳.

۱۱۶- غررالحكم صفحه ۳۷۲.

۱۱۷- مستدرك ج ۲ ص ۳۵۳.

۱۱۸- تفسير برهان ص ۸۸۲ به نقل از الحديث ص ۳۵۳ ج ۱.

۱۱۹- غررالحكم ص ۳۷۲.

۱۲۰- شرح ابن ابى الحديد ۲۰ كلمه ۸۱۷ ص ۳۳۳.

۱۲۱- شرح ابن ابى الحديد ج ۲۰ كلمه ۹۸ ص ۲۶۷.

۱۲۲- غرر الحكم ص ۶۹۷.

۱۲۳- تحف العقول ص ۲۷۹.

۱۲۴- كافى ص ۳۸۰ نقل از اقوال الائمه ج ۵ ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۱۲۵- غرر الحكم صفحه ۱۵۲.

۱۲۶- مستدرك جلد ۲ ص ۵۳۱.

۱۲۷- مستدرك جلد ۲ ص ۵۳۱.

۱۲۸- نهج الفصاحه ح ۱۷۹۲ ص ۳۸۰.

۱۲۹- از كتاب اقوال الائمه ، ص ۱۶۱، ج ۵.

۱۳۰- مشكوه الانوار صفحه ۱۵۵.

۱۳۱- مجموعه ورام ۲ صفحه ۱۱۸.

۱۳۲- مشكوة الانوار صفحه ۱۵۵.

۱۳۳- نهج البلاغه فيض ص ۹۰۳.

۱۳۴- الخصال ح ۷۷ ص ۶۴.

۱۳۵- نهج الفصاحه حديث ۳۰۱۲.

۱۳۶- سوره لقمان آيه ۱۷.

۱۳۷- سوره قلم آيه ۱.

۱۳۸- شرح ابن ابى الحديد ج ۲۰ ص ۳۳۳ به نقل از الحديث ج ۲ ص ۱۵.

۱۳۹- كتاب راه و رسم زندگى ص ۱۶۲.

۱۴۰- آل عمران آيه ۱۸.

۱۴۱- روضه كافى ص ۱۵۰.

۱۴۲- بحار ج ۷۴ ص ۲۰۰.

۱۴۳- بحار ج ۷۴ ص ۲۰۰.

۱۴۴- بحار ج ۷۴ ص ۲۰۰.

۱۴۵- مجادله آيه ۱۱.

۱۴۶- بحار ج ۷۴ ص ۲۰۰.

۱۴۷- سوره روم آيه ۳۰.

۱۴۸- تفسير قرطبى ج ۱۴ ص ۲۹ و تفسير جلالى ص ۳۴.

۱۴۹- قرآن و روانشناسى ترجمه عرب ص ۲۲.

۱۵۰- انگيزه هاى روانى ص ۳۵۹.

۱۵۱- انديشه هاى اهل مدينه فاضله ترجمه دكتر سجادى (مقدمه) ص ۱.

۱۵۲- احصاء العلوم فارابى ص ۲۹.

۱۵۳- نقل از كتاب تربيت از ديدگاه اسلام ص ۱۷.

۱۵۴- كتاب الاضحوية بوعلى سينا، ص ۱۸

۱۵۵- رساله الاضحويه تاءليف بوعلى سينا ص ۱۸.

فهرست مطالب

[پيشگفتار 2](#_Toc463255792)

[انتخاب همسر 4](#_Toc463255793)

[تربيت را از كجا شروع كنيم ؟ 4](#_Toc463255794)

[در انتخاب همسر كفو و هم شاءن را اهميت دهيد 8](#_Toc463255795)

[ازدواج با اموال ايتام و مساكين ؟!! 10](#_Toc463255796)

[پدر، مادر، معلم مرا خوب تربيت كن 11](#_Toc463255797)

[نقش وراثت در تربيت 12](#_Toc463255798)

[وراثت از ديدگاه قرآن 14](#_Toc463255799)

[ژنها عامل انتقال وراثت 15](#_Toc463255800)

[چرا بعضى كودكان به پدر و مادر شباهت ندارند؟! 16](#_Toc463255801)

[دوران باردارى 19](#_Toc463255802)

[مسئوليتهاى مادر، در دوران باردارى 19](#_Toc463255803)

[مادر و سعادت و شقاوت كودك !! 20](#_Toc463255804)

[گزيده اى از اشعار پروين اعتصامى 22](#_Toc463255805)

[حقيقت سعادت و شقاوت در چيست ؟ 23](#_Toc463255806)

[پند پذيرى سعادت ، و غرور شقاوت است 24](#_Toc463255807)

[نقش مادر در سوء تربيت فرزند 25](#_Toc463255808)

[مادران جنايتكار 29](#_Toc463255809)

[تغذيه زنان باردار 31](#_Toc463255810)

[نقش خرما در حلم و تقواى كودك 32](#_Toc463255811)

[وظائف مادر در دوران باردارى 33](#_Toc463255812)

[تغذيه حلال و پاكيزه 34](#_Toc463255813)

[چرا بعضى از كودكان قسى القلب اند؟! 35](#_Toc463255814)

[عوامل زيبائى يا زشتى كودك ؟! 39](#_Toc463255815)

[زيبائيها و زشتيهاى كودك از كيست ؟! 40](#_Toc463255816)

[معايب جسمى و روانى كودك ؟!! 44](#_Toc463255817)

[عوارض پرخورى و پرخوابى 45](#_Toc463255818)

[اخطار به مادران باردار از داروهاى شيمايى 47](#_Toc463255819)

[نامگذارى كودك 48](#_Toc463255820)

[نام نيكو گرامى ترين عطيه والدين به فرزند است 49](#_Toc463255821)

[نامهاى تحقيرآميز جاهليت 50](#_Toc463255822)

[نامهاى نفرت انگيز 52](#_Toc463255823)

[در نامگذارى فرزند حرمت بزرگانتان را پاس داريد 54](#_Toc463255824)

[دوران رضاع و شيرخوارى 56](#_Toc463255825)

[مادر و دوران شيرخوارى كودك 56](#_Toc463255826)

[قرآن شير كامل را دو سال معين نمود 57](#_Toc463255827)

[امام حسين چگونه پرورش يافت ؟ 58](#_Toc463255828)

[صاحب و مالك شير پدر است نه مادر 59](#_Toc463255829)

[فرزند از نظر تكوين و تشريع به چه كسى تعلق دارد؟ 60](#_Toc463255830)

[يكى از دو پستان مادر غذا، و ديگرى آب است 63](#_Toc463255831)

[مرضعه زيبا، فرزند شما را زيبا مى سازد 65](#_Toc463255832)

[تاءثير شير بر جسم و روان كودك 66](#_Toc463255833)

[دوران خطير طفوليت 68](#_Toc463255834)

[دوران پس از شير خوارى 68](#_Toc463255835)

[كودك و مشقتهاى تعليم و تربيت 70](#_Toc463255836)

[به عهد و پيمان با كودكانتان وفادار باشيد 71](#_Toc463255837)

[جوان و ارزشهاى نظامى و بسيجى 72](#_Toc463255838)

[آموزش ولايت و محبت به اهلبيت عليه‌السلام 73](#_Toc463255839)

[درس سخاوت و سيادت به كودكانتان بدهيد 75](#_Toc463255840)

[نوابغ عالم چگونه پروريده شده اند؟ 77](#_Toc463255841)

[امام زمان از كودكى صاحب امر دنيا و آخرت بود 78](#_Toc463255842)

[اين صاحب شما است پس از من 79](#_Toc463255843)

[پدرم ، حرمت مادرم كه پسرى براى تو آورده پاس دار 81](#_Toc463255844)

[با نفس مجاهده نمائيد تا به آينده درخشان راه يابيد 83](#_Toc463255845)

[جوان ، در راه پيشبرد اهداف علمى و فرهنگى 86](#_Toc463255846)

[پژوهشگران علوم امروز، مشاهير و اعلام فردايند 87](#_Toc463255847)

[جوان و مشكلات اقتصادى و اجتماعى روز 89](#_Toc463255848)

[آموزشهاى مجدانه جوانى سعادت و خوشبختى آينده است 90](#_Toc463255849)

[نقش تربيت در آئين دوست يابى 91](#_Toc463255850)

[برادرم ، جوان عزيز! 92](#_Toc463255851)

[با گمراهان مصاحبت و دوستى مكن 93](#_Toc463255852)

[جوانى شعبه اى از ديوانگى است و زنان دام شيطانند. 94](#_Toc463255853)

[تربيتهاى ضد فضيلت و ضد انسانيت ! 95](#_Toc463255854)

[چرا جوان تائب به پيشگاه خداوند محبوب است ؟ 96](#_Toc463255855)

[جوان و بازگشت او به اصالت و فطرت اسلامى خويش 97](#_Toc463255856)

[در بوستان قلبت بذر گلهاى محمدى صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بيفشان 98](#_Toc463255857)

[معلم و كارهاى ارزشى او 99](#_Toc463255858)

[معلمم ، فطرت آگاهم را شكوفا كن 101](#_Toc463255859)

[معلمم ، تو را مى ستايم 103](#_Toc463255860)

[معلمم به ارزشهاى علمى و عمليم بيفزا 104](#_Toc463255861)

[معلمم ، قلبم به نور حكمت منور كن 105](#_Toc463255862)

[معلم عزيزم از علم مفيد و نافع برخوردارم كن 106](#_Toc463255863)

[معلمم ! از نادانيهاى من كاسته و بدانشم بيفزا 107](#_Toc463255864)

[جوان و آزادى عمل 108](#_Toc463255865)

[اخلاق و چگونه زيستن فارابى 111](#_Toc463255866)

[جوان و نعمت سلامت جسم و روان 112](#_Toc463255867)

[علوم الهى و مابعد الطبيعه 113](#_Toc463255868)

[معلم اول ارسطو 114](#_Toc463255869)

[فهرست مطالب 122](#_Toc463255870)